

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال دهم
اول شهریور ۷۲ - شماره ۹۹

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

دولت متزلزل رژیم بحرانی

از هنگامی که مجلس چهارم ارتجاع آغاز کار کرد. معلوم بود که جناح بازار و طیف وابسته به پسران، رفسنجانی را برای تغییر در قوه مجریه سودا این جناح تحت فشار قرار خواهند داد. در چهارمین نمایش انتخاباتی مجلس چهارم، رفسنجانی، خامنه‌ای و جناح بازار برای حذف خط امامی هاتم متحد شدند. سیر و پادها نشان داد که جناح غالب در مجلس که خامنه‌ای نیز مورد حمایت آنان است، نخواهد گذاشت رفسنجانی به سادگی کارهایش را پیش ببرد. در جریان نمایش انتخاباتی مربوط به رئیس جمهوری ولایت فقیه، جناح بازار با کاندید کردن احمد نوکلی، یک چمباق بالا سر رفسنجانی نگهداشت. قبل از برگزاری نمایش انتخاباتی معضله انتخابات مربوط به رفسنجانی، با طاق نوری که سخکوی سیاسی این جناح است، مساله تغییر کابینه را چندین بار مطرح نمود. بلافاصله پس از آنکه رفسنجانی را بعنوان رئیس جمهور اعلام نمودید، موجی از تهاجم از طرف جناح بازار برای تغییر کابینه آغاز شد. روزنامه رسالت، آخوندهای قم، اطاق بازگانی، انجمن اسلامی مهندسیین ایشهادات این انجمن ضمیمه همین مقاله است. بیشترین نمایندگان مجلس به انحاء مختلف خواستار تغییر اکثریت وزرا، بودند و برای این کاندیداهایی را معرفی می‌کردند. از طرف دیگر روزنامه سلام و نمایندگان طرفدار رفسنجانی در مجلس ارتجاع، در مقابل این تهاجم ایستادگی می‌کردند. روزنامه سلام در یک مقاله در شماره روز ۱۲ مرداد از هجوم جناح راست بعنوان یک تهاجم گسترده یاد کرد و در مقاله خود تحت عنوان "هجوم به سکرهای" در صفحه ۸

کبوتران صلح اکثریت و

آتش سوسن ویاس حکومت

صفحه ۵

شیطان را بزنید

ترجمه ای از مجله نیشن - چاپ امریکا

صفحه ۱۰

دهمین دور

مذاکرات صلح خاورمیان

صفحه ۲

نبرد خلق در آغاز سال دهم

با این شماره، نبرد خلق دهمین سال انتشار خود را به چهارم آورده است. طی ۹ سال گذشته و در یکی از بحرانی ترین دوران حیات سیاسی جامعه ایران و جهان نبرد خلق بعنوان یک شریه نسلنی - سیاسی - ار مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی دناغ نموده است. شماره آینده نبرد خلق، صدمین شماره آن خواهد بود. بنابراین در شماره آینده برامون نبرد خلق و دورانی را که طی کرده با خوانندگان و نادار نبرد خلق خن خواهیم گفت.

بیانیه

شورای ملی مقاومت

صفحه ۹

شورای ملی مقاومت ایران

حملات هوایی و زمینی رژیم ضد بشری

خمینی به کردستان عراق را محکوم می کند

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

رژیم پلید خمینی که از اتمام ماموران امنیتی و سیاسی خود به کردستان عراق در هفته‌های اخیر سرای و ادار کردن احزاب کرد عراقی به اخراج گروههای کرد ایرانی از این منطقه و شرکت در سرکوب آنان نتیجه‌سی نگرفت، تهاجمات زمینی و هوایی خود را در کردستان عراق تشدید نموده و هموطنان ما و گروههای کرد ایرانی را مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار می‌دهد.

صبح امروز جنگنده بمب افکنهای حکومت آخوندی که از پایگاه شکاری تبریز برخاسته بودند با نقض قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد، مرزهای بین المللی را پشت سر گذاشته و با عبور از منطقه پرواز ممنوع در شمال مدار ۳۶ درجه وارد منطقه سلیمانیه شده و در عمق خاک عراق به بمباران روستاهای کردستان عراق و هموطنان کرد ایرانی مستقر در این منطقه مبادرت کردند.

به طور همزمان، نیروهای رژیم خمینی به حملات زمینی دست زدند و بیابانگرانشها مقرر کومله نیز مورد تهاجم قرار گرفته است.

در صفحه ۲

معرفی شورای رهبری مجاهدین

روز ۱۴ مرداد ۷۲، در یک نشست وسیع که هزاران نفر از مجاهدین خلق در آن شرکت داشتند، خانم مریم رجوی، در مورد اعضای شورای رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران نظر خواهی نمود و خانم هانیه ارواوسی، شهردامدر، عدار العلوی طالقانی، مهوش سپهری، حمده شاهرخی، محبوبه جمشیدی، مهناز مسمت، سول رجایی، شهره عین‌الیقین، سپیده ابراهیمی، بدری یورطیاج و زهره خاشایی به اتفاق آراء، به شورای رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران انتخاب شدند. همچنین دو اردمفر دیگر از زنان مجاهد خلق بعنوان کاندیدای شورای رهبری مجاهدین خلق طی این نظر خواهی که در همین نشست صورت گرفت بعنوان کاندیدای شورای رهبری مجاهدین خلق انتخاب شدند. کاندیدای شورای رهبری مجاهدین خلق عبارتند از: خاسها، زهره شفاوسی، زهره خاشایی، مریم اکبرزادگان، سرس پارسا، حشمت سریری، سرونار جیت سزار، نرنا شهری، سهیلا صادق، زهره سنی جمالی، زهره ارجسی، کبری طهماسی و سیکو خاتکی. شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران نیز طی اطلاعیه‌ای این انتخاب را تشدید نمود.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تشکیل شورای رهبری مجاهدین خلق و انتخاب اعضای آنرا به سازمان مجاهدین خلق ایران و به خانم مریم رجوی مسئول اول این سازمان تبریک می‌گوید و امیدوار است که این اقدام مفاومت ایران و مبارزه عادلانه مردم ایران علیه رژیم ارتجاعی ولایت فقیه را تقویت نماید.

در این شماره:

■ اعتراض کارگران نساجی قائمشهر

در صفحه ۲

■ پل سازی به شیوه رفسنجانی

در صفحه ۲

■ اخبار و رویدادها

- اهدا، مدال افتخار

- اعتماب کارگری

- تعطیلی کارخانجات پوشش

- تظاهرات و اعتراضات توده‌ای

در صفحات ۱۲ و ۱۳

■ پل سازی به شیوه رفسنجانی

در صفحه ۲

■ برخی از رویدادهای تاریخی

در صفحه ۱۲

دهمین دور مذاکرات صلح خاورمیانه

دهمین دور مذاکرات در شرایطی در ۱۵ ژوئن در واشنگتن آغاز گشت که مقامات عالیتر سه طرفه‌های درگیر در مذاکرات با صحبت‌های خود فضای امیدوارکننده برای دستیابی به توافق و با حداقل کم نمودن فاصله بین هیات‌ها بوجود آورده بود. در این زمینه وزیر امور خارجه سوریه صحبت از نبودن مشکلی بر سر راه روابط کامل با اسرائیل در صورتیکه بلندی‌های جولان پس داده شود کرد و در مقابل وزیر خارجه اسرائیل از صلح کامل و برگرداندن بلندی‌های جولان با سوریه نمود. هم‌چنین وزیر خارجه وقت اردن گفت اختلاف بین اردن و اسرائیل غیر از مسئله فلسطین، تقسیم آب و مسئله بناهندکان است. شیمون پرزدر این مورد گفت توافق اردن و اسرائیل آنقدر نزدیک است که باستی قلم را از جیب بیرون آورد و آن را امضا کرد (۱). رادیسو آمریکا در رابطه با شروع دهمین دور مذاکرات گفت "هیات‌های عرب و اسرائیل پس از یک وقفه یکماهه دهمین دور مذاکره را در واشنگتن شروع کردند. یک مقام ارشد آمریکایی گفت امیدوار است مذاکره کنندگان بتوانند اختلافات خود را کاهش دهند تا آنکه آمریکائیان پیشنهاد مساعی ارائه دهد (۲)". پس از یک هفته مذاکره مشخص شد که هنوز فاصله قابل توجهی بین مواضع هیات‌های فلسطینی، سوریه، با هیات اسرائیل وجود دارد و به همین دلیل شرکت کنندگان در مذاکرات صلح خواستار شرکت فعال تر آمریکا و شکستن بن بست در مذاکرات شدند. اختلاف بین هیات فلسطینی و هیات اسرائیل بر سر اورشلیم شرقی و همچنین موضوع خودمختاری در مقابل برقراری حکومت مستقل فلسطین بود و اختلاف بین هیات سوری و اسرائیل مسئله نوار امنیتی بی از عقب نشینی اسرائیل از بلندی‌های جولان بود. اسرائیل خواهان عقب نشینی از بخش جولان و استفاده از بقیه آن برای نوار امنیتی بود در صورتیکه سوریه خواهان عقب نشینی اسرائیل به داخل مرزهایش و تشکیل نوار مرزی از بخشی از جولان و بخشی از خاک اسرائیل بود. در این مورد رادیسو اسرائیل گفت "رأین ارزیابی کرد که چند هفته آینده مذاکرات اسرائیل و فلسطینی‌ها دوره بسیار حساس و سرنوشته‌ساز باشد هفته دوم از دورکنونی مذاکرات صلح امروز در ساختمان وزارت خارجه در واشنگتن آغاز می‌گردد. گفتگوها در حالی دنبال می‌شود که اصرار فلسطینی هادر مورد طرح شدن اورشلیم از امید دورکنونی مذاکرات می‌گاهد. منابع دیپلماتیک گفتند هیات اسرائیلی از رابینس رهنمود گرفته که به هیچ وجه درباره آینده اورشلیم در برابر فلسطینی‌ها عقب نشینی نکند و اصولاً از مطرح شدن این موضوع جلوگیری نمایند (۳)". تمامی هیات‌ها اختلاف عمده را بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها می‌دانستند و همچنین در مواضع‌های مختلف اظهار می‌کردند که مشکل بین بست اصلی بر سر مذاکرات فاصله زیاد موجود بین خواسته‌های هیات فلسطینی و هیات اسرائیل است و این امر که تا نواقعی بین این دو هیات بدست نیاید سایر هیات‌ها نیز موافقت نامه‌ای را امضا نخواهند کرد. رادیسو اسرائیل در این مورد گفت

"مقامات ساسی در اورشلیم امروز ارزیابی کردند اگر پیشرفتی در گفتگوها با فلسطینی‌ها حاصل نشود مسلماً دورکنونی مذاکرات پیشرفتی نیز در گفتگوها دیگر هیات‌های عربی یعنی اردن - سوریه - لبنان بدست نخواهد آمد. با وجود تمام این ارزیابی‌ها همه طرف‌ها در انتظار موضع‌گیری آمریکا در مقابل روند صلح هستند مسئولین دولت کلینتون منعقد شده‌اند که نقش فعالتری در مذاکرات داشته باشند و انتظار می‌رود در چند روز آینده ظاهر شود" (۴). پس از آنکه در هفته دوم مذاکرات به بن بست رسید آمریکا پیشنهاد خود برای ایجاد پلی بین مواضع فلسطینی‌ها و اسرائیل مطرح نمود. این پیشنهاد نسبت به پیشنهاد ۱۳ می آمریکا تغییراتی به نفع فلسطینی‌ها داشت. در این پیشنهاد آمریکا با مطرح کردن نکات عمده طرح خودمختاری آنرا خودمختاری نخواهد در مقابل از ترم "قدرت زودتر" استفاده کرد. واکنش اولیه هر دو هیات نسبت به این پیشنهاد واکنشی انتقاد آمیز بود. هیات اسرائیلی آنرا منافی با پیشنهاد ۱۲ می آمریکا می‌دانست و هیات فلسطینی از اینکه سرزمین‌های اشغالی با ترم "سرزمین مورد مجادله" آمده بود و صحبتی نیز از اورشلیم ندانست به پیشنهاد انتقاد داشت. بهر حال دور دهم مذاکرات بدون هیچ نتیجه ملموسی و در شرایطی که پیشنهاد آمریکا مطرح شده بود پایان یافت ولی بدینال این دور از مذاکرات هیات‌های درگیر و خصوصاً آمریکا اقداماتی را برای نزدیک نمودن اختلافات فلسطینی‌ها با اسرائیل آغاز کردند. دولت کلینتون در ۲۹ خرداد اعلام نمود که ادوارد جرجان معاون وزارت خارجه آن کشور در امور خاور نزدیک سفر جدید آمریکا در اسرائیل خواهد شد. رادیسو بی بی سی در این مورد گفت: "ادوارد جرجان در حال حاضر هماهنگ‌کننده ارشد گفتگوهای صلح خاورمیانه است و به گفته مقامات آمریکا انتخاب وی به مقام جدید نشان دهنده اهمیتی است که دولت است آمریکا برای دستیابی به صلح خاورمیانه قائل است" (۵). بدینال آن وزارت خارجه آمریکا دنس را - را بعنوان نماینده آمریکا به خاورمیانه فرستاد تا بهر منبای پیشنهاد جدید آمریکایی کند اختلافات بین هیات‌های مذاکره کننده بخصوص فلسطینی‌ها و اسرائیل را کاهش دهد. او پس از ملاقات و مذاکرات متعددی و واشنگتن بازگشت. گرچه بعضی از مطبوعات و خبرگزاری‌ها مسافرت نماینده آمریکا به خاورمیانه را ناموفق نامیدند نشو به کریستین سانیس مانیستور (۶) در یک مقاله تحلیلی نوشت، گرچه دنس را - نتوانست اختلاف بین فلسطینی‌ها و اسرائیل را نزدیک کند او نتوانست فلسطینی‌ها را که قبلاً به پیشنهاد آمریکا انتقاد کرده بودند قانع کند این پیشنهاد را منبایی برای مذاکرات آینده بپذیرند. رهبران فلسطینی که ابتدا به پیشنهاد آمریکا انتقاد داشتند از آنجا که مایل به ادامه مذاکره هستند علائتم مشتی برای ادامه مذاکره نشان داده‌اند. مقامات فلسطینی به روزنامه کریستین سانیس مانیستور

اعتراض کارگران نساجی قائمشهر

دفتر مجاهدین خلق در تاریخ ۶ مرداد ۷۲ اطلاعیه زیر را صادر نمود:

کارگران کارخانه‌های شماره ۲ و ۳ نساجی قائمشهر در اعتراض به کمبود شدید دستمزدها خود را بسیط بسیار سخت اقتصادی دست به اعتصاب زدند. کارگران این کارخانه‌ها که از بزرگترین مجتمع‌های نساجی ایران است، از ابتدایی ترین امکانات منفی محروم می‌باشند.

وضعیت این دو کارخانه به شدت متشنج و کارگران خشم خود علیه مزدوران رژیم آخوندی را آشکار می‌کنند. ساواک رژیم وضعیت کارخانه را آنجا ارزیابی کرده است.

طی روزهای اخیر بر تعداد اعتصابات در کارخانه‌های ایران به دلیل وخامت اوضاع اقتصادی و گسترش نا رضایتی افزوده شده است.

گفته‌اند که رئیس هیات فلسطینی سمل شاس و عضو کمیته اجرایی PLO محمود تاس پیشنهاد کرده‌اند حاضرند برای ترمیم پیشنهاد آمریکا وارد مذاکره شوند. امکان نزدیک شدن نظرات دو طرف وقتی قوت گرفت که پس از بازگشت داس را - به آمریکا کریستوفر اعلام کرد برای لا اردن شاس برقراری صلح به خاورمیانه سفر خواهد کرد (۱۷).

پیش رفت ناچیزی که در دور دهم مذاکرات حاصل شد به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن نامشخص بودن وضع خودمختاری برای فلسطینی‌ها و همچنین ابهامی که پس از دست یابی به آن در سر رسیدن به یک کشور مستقل فلسطینی وجود دارد. در واقع چهارچوب این مذاکرات در مادرید توسط حکومت قبلی اسرائیل پایه ریزی شده و منظر می‌رسد که خود این چهارچوب که با فشاری بر خودمختاری در حلقه اول و نامشخص بودن مرحله بعدی مانع پیشرفت مذاکرات، تغییر در این چهارچوب بطور مثال تغییر آن به کنفدراسیون فلسطینی - اردن و با وارد مذاکرات اصلی شدن برای حکومت مستقل می‌تواند بن بست کنونی را شکند.

بهر حال آنچه مهم است مسافرت کریستوفر به منطقه و تحولاتی که در این روزها در سمت فلسطینی‌ها و همچنین اسرائیل یعنی نیروهای خواهان صلح از یک طرف و نیروهای مخالف صلح که با درگیری‌های خود با اسرائیل می‌خواهند مذاکرات را متوقف نمایند، خواهد بود.

زیرنویس:

(۱) - واشنگتن ریپورت در امور خاورمیانه ژوئیه / اوت

۹۳

(۲) - رادیسو آمریکا ۱۵ ژوئن

(۳) - رادیسو اسرائیل اول تیر

(۴) - همانجا

(۵) - رادیسو بی بی سی ۲۹ خرداد

(۶) - کریستین سانیس مانیستور ۸ ژوئیه ۱۹۹۳

(۷) - واشنگتن پست ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۳

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

یکی از اعضای هیئت مدیره این کارخانجات روز گذشته در جلسه مشترک مدیران واحدهای صنعتی استان در شرکت داروسازی سبحان گفت: کمبود مواد اولیه، گران قیمت تمام شده کالا و واردات کالای مشابه، عدم فروش اجناس تولیدی و در نتیجه مشکل نقدینگی علل تعطیلی کارخانجات پوشش است.

وی افزود: در همین حال اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان کیلان دهها میلیون ریال مالیات برای این واحد تعیین کرده است که امکان پرداخت آن به هیچ وجه مسر نیست.

وی همچنین از پرداخت عوارض توسط واحدهای تولیدی زبان ده انتقاد کرد.

وی گفت در حال حاضر صدها میلیون ریال کالای تولیدی در انبارهای کارخانجات پوشش موجود است که خریدار ندارد.

کارخانجات پوشش تولیدکننده انواع حوله و پارچه می باشد که اخیراً خط تولید پیراهن نیربسه آن افزوده شده است.

روزنامه رسالت در همین شماره خود همچنین گزارشی نمود که:

"چابکسرا - خبرگزاری جمهوری اسلامی: کارخانه پارچه بافی ارمنک بافت چابکسرا به دلیل عدم توان مقابله با تولیدات مشابه وارداتی تعطیل شد.

مهندس نجیبی مدیرعامل این شرکت تولیدی در این باره گفت: این واحد تولیدی پس از ۳ سال فعالیت اخیراً به علت واردات بی رویه پارچه از طریق مناطق آزاد تجاری و سازمانهای غیر مسئول تعطیل شد.

وی در مورد رسوایی این واحد و کارگران آن گفت: احتمالاً اقدام به تغییر خط تولید خواهیم داد و بتوانیم به نیاز منطقه تولید تورماهیگیری در دست مطالبه است."

تظاهرات و اعتراضات توده‌ای

دفتر مجاهدین خلق در پاریس در تاریخ ۲۰ تیر امسال اطلاعیه زیر را صادر نمود:

شبانه گزارشهای رسیده از ایران، طی روزهای یکشنبه ۲۷ تیر و دوشنبه ۲۸ تیر تظاهرات و تجمع اعتراضی توسط مردم ناحیه ۷ تهران در اعتراض به اقدامات شهرداری این ناحیه برای تخریب خانهها و مسافزهای مردم صورت گرفت.

روزیکشنبه ۲۷ تیر، به دنبال مراجعه مأمورین شهرداری برای تخریب مسافزهای محل، گروهی از مسافزداران با مأمورین شهرداری و پاسداران همسراه آنان درگیر شده و مردم به حمایت آنها آمدند. در وحشت از گسترش دامنه این حرکت اعتراضی، نیروهای کمکی بلافاصله به منطقه اعزام شدند تا مسافز داران را متفرق نمایند.

به رغم استقرار نیروهای انتظامی رژیم در تمامی منطقه، روز دوشنبه ۲۸ تیر مسافزداران در برابر شهرداری محل واقع در میدان الفدیر تجمع کردند و صداهای از مردم به آنها می پیوندید. تظاهرکنندگان که شعارهای "مرگ برخانه‌ای"، "مرگ بر فسنجانی"

می دادند به نحو خاصی سازماندهی شده بودند به طوری که صداهای از پاسداران سرکوبگر و مأمورین وزارت اطلاعات که برای سرکوب و دستگیری و شناسایی مردم به محل اعزام شده بودند، قادر به متفرق کردن جمعیت شدند.

پاسداران و مزدوران رژیم که از برخورد با مردم خشمگین به شدت وحشت داشتند، به طور مستمر از مرکز کسب تکلیف کرده، تقاضای نیروی کمکی می نمودند، ولی موفق به دستگیری مردم نشدند و تخریب مسافزها و خانههای مردم نیز به تعویق افتاد.

برگزاری این تظاهرات در شرایطی که رژیم از شنبه گذشته به مدت یک هفته یک مانور سراسری توسط نیروهای انتظامی در تهران و سایر شهرهای کشور به اجرا گذاشته، نگرانی شدیدی در بین سردمداران رژیم ایجاد کرده است، روز سه شنبه، طی بخشنامه‌ای به نیروهای انتظامی تهران بزرگ، مقامات رژیم نسبت به گسترش ناآرامی در پایتخت هشدار دادند.

حزب کار مردم (ترکیه)

یک دادگاه عالی در ترکیه، "حزب کار مردم" که یک حزب کردی است را غیرقانونی اعلام کرد. این در حالی است که این حزب ۸ نامیافته در پارلمان ترکیه دارد. دادگاه ترکیه فعالیت سیاسی برخی از اعضای این حزب را ممنوع اعلام نمود.

شماره ۷ مرداد ۱۳۷۲
۹ صفر ۱۴۱۴ شماره ۲۱۸۱

«در حاشیه مجلس»

در جلسه علنی روز گذشته مجلس آقای زادرسر جرمی عضو کمسیون ارتاد و هر اسلامی با استناد به ماده ۱۱۹ آئین نامه داخلی مجلس سوزی اسلامی بذکر آتش‌بامی و در گفت: روز گذشته در کمسیون ارتاد و هر اسلامی فنی از یک مجلس غروسی را دیدند که دو بی از محرمان صدا و سما در آن با وضع مسدلی حاضر شده و همای باحاشیه به رفص بردارجماند و با اس عینسان روی هرچه طاعوبی رفاصه را سفد کرده اند.

آقای زادرسر در ادامه بذکرس افزود: آفرین به یک سال است که بقاصای حقوق و رفصس از صدا و سما مطرح شده و مسافمانه با امرو، حصری از آن نشده است! ما می‌خواهیم بدانیم که در صدا و سما چه خبر است و این دانسانگه‌بوسه چه کسی است؟ چرا مجلس برای مردم بازگو نمی‌کند که در این دانسانگه برگ چه می‌گذرد؟! رئیس مجلس سببی در موصح این بذکر گفت: سجه حفصی و حفصی آماده شده و در نوبت دستور کار مجلس فراز دارد.

آقای باطی بوری سبب در پایان همی جلسه اعلام کرد: در اس زمینه معاون پارلمانی آقای محمد هاشمی در موصی همسند که به خاطر همان عمل اس دو مجری از سازمان اخراج شده‌اند. سایرین در اس بحث صدا و سما برخورد فاطمی کرده است که ما به خاطر اس برخورد فاطم از مسئولین سازمان بذکر می‌کنیم. در همین زمینه خبرنگار پارلمانی ما با یکی از اعضاء کمسیون ارتاد و هر اسلامی به گفتگو پرداخت.

وی موصح داد: این فیلم ظاهرأ مربوط به مجلس غروسی برادر یکی از محرمان برنامه‌های محلف بلوربویی بوده که در آن وی همراه با غروسی ونی جد از حاشیهای سبه عربان به رفصی بردارجه و هنگامی که همکار وی به مجلس وارد شده او سبب به جمع رفاصعاً دعوت شده و صحصعاً نرم‌آوری به وجود آمده است.

وی خاطر سراسر اساحت: اس‌گروه حاضر فاند هرگز نباید در دسانگه‌های دولتی آن هم سازمانی مثل صدا و سما که محافظان فراوانی دارد رخصه مابند. وی در پایان اظهار امیدواری کرد که صدا و سما سمد به دانسانگه‌ای برای بیان حقایق اسلامی و سازهای عمومی مردم شود.

پیل سازی به شیوه رفسنجانی

ساعت ۴۵ و ۱۲ دقیقه روز سه شنبه ۱۲/۵/۷۲ قسمتی از پیل بزرگراه شمال عباس آباد به خیابان دماوند واقع در میدان کتابی پائین تراز میدان محسنی فروربخت و ۲ تن از اعضا، یک خانواده بجز دو کودک خردسالشان جان خود را از دست دادند.

حادثه فوق بدلیل عدم استفاده شهرداری منطقه ۲ از کارشناسان فسی و استفاده از الوار بوسیده به عنوان سب و استفاده نکردن از سقف کاذب و ستونهای آهنی اتفاق افتاد. واس در حالست که شهرداری هابا استفاده از اخذ عوارض‌های کلان از مردم و گرفتن جریمه سبه سبانه‌های مختلف مشغول چپاول مردم هستند.

اهالی مطغه و مردمی که در حال عبور بودند پس از شنیدن صدای مهیب فروربختن پیل در محل حاضر و سعی می‌کردند کشته شدگان و مصدومین را از داخل اتومبیل بیگان خارج سازند. اما بدلیل سقوط پیل بر روی اتومبیل بیگان امکان بیرون آوردن آنان میسر نبود. پس از دقایقی یک جرثقیل به محل آمده و این در حالی بود که نیروهای پلیس رژیم سعی در مسدود کردن خیابانهای اطراف داشتند تا از تجمع مردم جلوگیری بعمل آورد. مردم اتومبیل‌ها را در خیابان‌های فرعی رها نموده و همراه ساکنین خود راه محل وقوع حادثه می‌رساندند. آنها قسمتی از درب و بدنه اتومبیل را به جرثقیل اتمال داده و راهی برای خروج اجساد و مصدومین پیدا کردند. ابتدا دو کودک ۱۰ و ۱۲ ساله از سرنشان، به بیمارستان انتقال یافتند و سپس اجساد دومرد از اتومبیل خارج شد. مردم با دیدن این صحنه دلخراش خشم خود را ابراز نموده و آشکارا سبه رفسنجانی، کرباسچی و سوجهایشان فحش می‌دادند. آنها می‌گفتند تاکی باید شاهد از دست دادن عزیزان اتمان در تمامد هوایی، درست کردن مترو و احداث بزرگراه و پیل توسط انبشاشام، چراوقتی متخصص و مهندس لایقی برای اینها کار نمی‌کنند اقدام به چنین کارهایی می‌کنند؟ چرا برای دادن پول کمترین کارگران از افتابشها استفاده می‌کنند، خوب مسلم است بخاطر اسکه چه کسی سببتر از کرباسچی می‌تواند حسانبهای ارزی رفسنجانی را در خارج برگرداند.

یکی از مهندسین که در محل حاضر بود می‌گفت این پیل ۲۰۰ تن وزن دارد و عرض پایه‌های موقتی که برای آن در نظر گرفته بودند ۱۶ سانتی متر بوده در صورتیکه باید در اندازه‌های ۴۰ سانتی متر ساخته می‌شد.

"بابایی" شهردار جدید منطقه ۲ بی سیم بدست در حالیکه مأموران رژیم اطراف اتومبیل او را محاصره کرده بودند در ۵۰ متری محل حادثه داخل بیگان تهران ۴۲ سفید رنگ نشسته بود، به خشم و کینه مردم و پیل فروربخته، خیره شده بود.

در نکشیم روتوزیع
آتش سازمان
بکوشید

بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

از صفحه ۸

مقاومت منکس است و چکیده‌ی از آنها در بیانیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت به تاریخ ۱۹ دیماه ۷۱ آمده است. ضیافت اعضای کنگره آمریکا به افتخار مسئول کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت و استقبال محافل سیاسی و مطبوعاتی این کشور از کتاب او که «قشری‌گری اسلامی، تهدید جدید جهانی» عنوان دارد، از تازه‌ترین نمونه‌های افزایش اعتبار مقاومت در عرصه بین‌المللی است.

همچنین راهپیمایی عظیم هواداران شورای ملی مقاومت در فروردین ماه سال جاری در واشنگتن، و نیز شرکت انبوه ایرانیان در راهپیماییهایی که به مناسبت سیزدهمین سالگرد آغاز مقاومت مسلحانه، در پایان خرداد ماه در شهرهای مختلف اروپا سازمان داده شد، استقبال گرم و بی‌تظیر هم‌میهنان خارج کشور از جنبش مقاومت عادلانه مردم ایران را به روشنی نشان داد. اما پیروزیهای جنبش مقاومت طی سال گذشته، منحصر به زمینه نظری و محدود به عرصه دیپلماتیک یا محیط ایرانیان خارج کشور نبوده است. تلاشهای سیاسی مقاومت ایران در داخل کشور، به ویژه به صورت

سازماندهی و هدایت حرکات اجتماعی و اعتراضی یا برانگیختن آنها، در سال گذشته گسترش زیادی یافت. بسیاری از تظاهرات اعتراضی یا اعتصابها، از همکاری و مشارکت فعال رزمندگان مقاومت در داخل کشور برخوردار بود. واکنشهای نظامی سریع مقاومت به صورت سلسله عملیاتی که، به یاد شهیدان جنایات تروریستی رژیم در خارج کشور، نقدی، قربانی، ارباب و کاظمی نامگذاری شده بود و به طور همزمان در نقاط مختلف کشور انجام گرفت، و نیز دهها تهاجم بزرگ و کوچک دیگر علیه مزدوران و مراکز رژیم، نشان دهنده موفقیت مقاومت در توسعه عملیات نظامی در داخل کشور بود.

همه این تحولات، که طی سال گذشته صورت گرفت، مؤید تغییرات بزرگی است که در تعادل قوا بین مقاومت مردم ایران و رژیم ضد بشری خمینی، به سود مقاومت و به زیان رژیم، بوجود آمده است.

اما مهمترین تحول در این زمینه را باید گسترش شورای ملی مقاومت دانست که در اجلاس دیماه گذشته این شورا به اتفاق آرا به تصویب رسید و تحقق مرحله‌ی آن

بلافاصله آغاز شد. این رویداد بزرگ، که طی اطلاعیه‌های مسئول شورا و دبیرخانه شورای ملی مقاومت در همان زمان به اطلاع عموم رسید، زمینه را برای ایجاد پارلمان وسیع جنبش مقاومت و مجلس دوران انتقال با شرکت همه فعالان نظامی و سیاسی مقاومت - از فرماندهان ارتش آزادیبخش تا شخصیت‌های جنبش مقاومت و کادربهای برجسته سیاسی سازمانهای عضو شورا که بر طبق اساسنامه، به عنوان عضو شورا، آرای مستقل و انفرادی خود را ابراز می‌کنند - کاملاً آماده کرد.

شورای ملی مقاومت، با تکیه بر دستاوردهای گرانبهای که داشته است، در آغاز سیزدهمین سال فعالیتش بار دیگر عزم استوار خود را برای براندازی رژیم ضد ایرانی و ضد بشری خمینی در نمایش اعلام میکند و از همه هم‌میهنان برای برانداختن دشمن اصلی مردم ایران و استقرار آزادی و دمکراسی در میهن آخوندزده‌مان یاری می‌طلبد.

شورای ملی مقاومت

۳۰ تیر ۱۳۷۲

اطلاعیه

مسئول شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱

هم چنین روز گذشته باسداران به جدیدین منطقه مرزی در کردستان عراق از جمله کنار و شمال شرقی سلیمانیه تهاجم کردند و به کشتار و چپاول و کربکسان گیری مردم بیگناه پرداختند. باسداران رژیم ضدبشری خمینی هم چنین در دموخور، از شمال و جنوب بنجویین، در داخل خاک کردستان عراق بیشری نموده و منطقه‌ی باعمق بیش از ۷ کیلومتر را اشغال و در کانیماگاریسک پایگاه نظامی دایر کردند.

دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران امروز و امروز از زمین و هوا مناطق مختلف کردستان عراق را مورد تجاوز مسلحانه فرار داد. به گزارش "صدای کردستان عراق" رادیوی حزب دموکرات کردستان عراق نیروها و مردم کردستان در برابر نیروهای رژیم به مقاومت پرداخته و درگیر شدند. از این پیشتر، خیرکزاریها و راسبه‌های بین‌المللی گزارش کسره بودند که حکومت آخوندی "خواستار اخراج کردهای ایرانی از کردستان عراق و داشتن سریل در آن منطقه است" (۱۱ اردیبهشت ۷۲) هم چنین هزاران تن از هم وطنان کرد ایرانی و مردم بی دفاع کردستان عراق ناگزیر از ترک مناطق مرزی مورد حمله رژیم شده‌اند. در ۲۴ تیر خیرکزاری فرانسو در ارتباط با مذاکرات فرستادگان رژیم در کردستان عراق گزارش نمود "حزب اپوزیسیون کرد ایرانی روز پنجشنبه (۲۴ تیر) اعلام کرد بدید نیروهای خود را از مرز ایران - عراق عقب کشیده‌اند" و به اعضای خود دستور داده‌اند "به مناطق مرزی نزدیک نشوند" و "بنا به گفته این حزب اپوزیسیون کرد ایرانی، تفاهمی در دولت کرد عراق صورت گرفته است تا منابع هرگونه تحرکی که نتواند رژیم ایران را وادار به حمله به کردستان عراق نکند.

ومی‌گذرانند، به عرض مردم کردستان عراق واحزاب و گروههای کرد عراقی وهم چس به استحضار هموطنان کرد ایرانی مستقر در کردستان عراق و گروهها واحزاب کرد ایرانی می‌راسم که سنار تجربه ۱۵ ساله، همسج تفاهم ومصالحه‌ی باحکومت موسوم به ولایت قبیسه منصور و امکان پدیدرنبوده وبست اشتباه آخوندها سیری نابدر است و باهح امتنازی قانع نمی‌شوند وهیح گاه دست از سوطه ونجاورنرمی‌دارند و از این روتنها راه مقابله با آنان مقاومت تمام عیار است و بس دست آخوندهای خمینی صفت را از کردستان عراق کوتسناه کسند و ابادی ومردوران این رژیم راکه تا کسسون در کردستان عراق کاری جز سوطه وترور ودردی وچپاول انجام نداده‌اند، از خاکشان برانسد واتمام قوا به دفاع از حشیت وشرف ملی ومیهنی خود در برابر دیکتاتوری متجاور آخوندی بر خیرید.

از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح وآزادی واز سوی ارتش آزادیبخش ملی بر ضرورت وحق پاسخگوی در برابر جنایات وتجاوزات حکومت آخوندی تا کید می‌کنم، بی‌گمان آخوندهای دژخیم وپاسداران و مزدوران جنایتکارشان حساب خونریزیهای بی دریغ وبی خانمان کردن مردم بی پناه وبی دفاع را پیس خواهند داد. حکومت آخوندی از بیخ وبس سرتکوسون وریشه کن خواهد گردید.

مسعود جوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران
و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران
۲۲ تیر ۷۲

رونوشت:

دبیرکل ملل متحد

رئیس واعضای شورای امنیت ملل متحد

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

عقبوبین الملل

شورای ملی مقاومت ایران حملات تروریستی امروز رژیم ضدبشری خمینی به مقر کومله وتجاوزات مستمر این رژیم به خاک کردستان عراق وکشتار وسیی خانمان کردن مردم بی‌گناه راکه تاکنون به آواره شدن بیش از ۱۰ هزار نفر منجر شده است، قوباصحکوم می‌کسند وخواستار رسیدگی بلادرنک شورای امنیت ملل متحد به این سلسله تجاورها وتحریم نفی وتسلحاتسی دیکتاتوری تروریستی است که سناه تجربه هیچ زبانی جز زبان زور و قدرت نمی‌فهمد. هرگونه مسامحه وعسدم قاطعیت، این رژیم را در ادامه جنایات داخلی وتجاوزات بین‌المللی جری تر می‌سازد.

بقایای خمینی در محاصره بحرانهای درمان ناپذیر بیرونی ودرویی ودر مقابله باناراضایتی گسترده اجتماعی وهم چنین عاجز از روبرویی با جنبش مقاومت سراسری چاره‌ی جرتشدید سرکوب وتروریسم در داخل وخسارج ایران نمی‌یابند وسویژه پس از اثبات عدم مشروعیت نام وسماشان در جریان نمایش انتخابات ریاست جمهوری، خود را شدیداً نیازمند چنین قدرت نمایشهای کادایی می‌بینند.

بایادآوری اشک تسماح آخوندهای پلید به خاطر کردهاوشعیان عراق در حالی که در داخل ایران کسرد وفارس وشیمه وسنی راه یکسان از دم تیغ گذرانده

کبوتران صلح اکثریت و "اتش سوسن ویاس" حکومت

بساداران به سلاح سگس " بود وبه نیروهای خود فراخوان شرکت در " مسخ مردمی " می داد .

ح) مجاهدین حفظ دستاوردهای دمکراتیک انقلاب ۵۷ مانند آزادی مطبوعات، احزاب، بیان، اجتماعات و غیره را طی يك دوره به برنامه سیاسی خود تبدیل نموده بودند . آنان بدستی خطر شکل گرفتن تدریجی يك دیکتاتوری همه جانبه را حس کرده و در جهت افشای و توسعه مبارزه با آن دهها شهید و هزاران زخمی دادند . پس از سال ۶۰ کشور ما در ساحل یکی از جنابست کارترین دیکتاتوریهای فرورفت که در مقام مقایسه با آن فاشیسم هیتلری دستگاه بی آزاری جلوه می نماید ! در این هنگام سازمان " اکثریت " از تقدم مبارزه ضد امپریالیستی بر مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک دفاع می کرد و در چارچوب این فرسول بندی در کنار ضد دمکرات برین و ارتجاعی ترین محافل و دستجات حکومت قرار گرفت . این جریان از " خط امام " فعلا لانه پشتیبانی می کرد و خواهان سرکوب " ضد انقلاب " بود . از همکاریهای اطلاعاتی و " ضربات تشکیلاتی " می گذریم .

د) مجاهدین خواهان سرنگونی تام و تمام رژیم خمینی ناکله جناح بندیهای درونی آن می باشند . آنان امکان استحاله، مدره شدن، سربرون آوردن جناح معتدل از درون این رژیم را منتفی دانسته و هر روز تاخیر در سرنگونی سیستم به امیدهای واهی یاد شده را معادل با يك کام دیگر در جهت نابودی و هدر دادن سرمایه های انسانی و مالی کشور می دانند . تشدید سرکوب، فشارهای اجتماعی بویژه بر زنان، افزایش بدهیهای خارجی که اکنون به بیش از ۴۰ میلیارد دلار رسیده، بحران اقتصادی، و وسعت گرفتن دامنه فقر، ترور و سرکوب دولتی و ۲۰۰۰ نشان داده که جمهوری ملاحا فرم ناپذیر است و مشخصههایی که افرادی چون رفسنجانی را از محتشمی با لاجوردی متمایز می کند تنها برای دلالان اسلحه و اسلحه فروشان، راهبران اقتصادی، غارتگران بیس - المللی و سر آخر همین شعبده بازهای سیاسی خودمان قابل رویت است . " اکثریت " پس از آنکه قربانی استراتژی خود شد وبه صف اپوزیسیون برتاب گردید، ابتدابه طرح شعار " انتخابات آزاد " پرداخت، سپس به جستجوی عناصر مدره داخل رژیم پرداخت و اینک نیز به همراهی سلطنت طلبان شرمکین (مشروطه خواهان) ، بعضی افراد که خود را " ملی " می نامند وعدهای بره زن عالم سیاست ، فعالان سیاست اتحاد و انتقاد بارفنجانی را به پیش می برد .

به این کارنامه - که البته کامل هم نیست - نگاه کنید ! انصافا آیا این مجاهدین بوده اند که " تاکنون " به " مصالح و منافع " مردم و کشور بایی اعتنایی برخوردار کرده اند با سازمان " اکثریت " که هر بار و در هر مقطعی که رژیم خمینی در مقابل مردم چاهی حفر نموده . آنها با یکدست به چشم توده ها خاک پاشیده و بادست دیگر هواداران را به فخر جاه افکنده اند ؟ آیا اصولا " اکثریت " با این سوابق " درخششان " از

اثبات گفته های بالا را عرضه می نماید . نشریه " کار " ارگان " اکثریت " در شماره ۶۱ خود مقاله به نام " عوارض خطرناک عملیات نظامی مجاهدین " درج نموده که در آن ضمن تفکیح سلسله عملیاتی که منجر به انفجار ۸ لوله نفتی نیز گردید به چند نتیجه گیری هم می پردازد که ذکر آنها خالی از لطف نیست .

۱ - " سازمان مجاهدین تاکنون نشان داده است بسه منافع ملی کشور و مصالح عمومی مردم و همچنین سه حساست وضع مشنح منطقه واقعی نمی گذارد . "

۲ - " این گونه عملیات به تضعیف رژیم منجر می شود و تنها موجب تشدید خشونت و انتقام جویی از جانب دوطرف می گردد . "

۳ - " عملیات نظامی و انفجار لوله های نفت مورد نائید مردم نیست . "

۴ - " آنچه برای این سازمان مطرح است تنها سرنگونی رژیم اسلامی به رفیمت و بهر وسیله است، حتی اگر منافع کشور پایمال شود . وضع منطقه مشنحتر کرد و کشور در آستانه تجربه فرارگیرد . "

مناسفانه نشریه " کار " روشن نمی کند که منظور از کلمه " تاکنون " چیست و همچنین مشخصا از کدام " منافع ملی " و " مصالح " کدام مردم سخن می گوید ! او در قالب عبارات کلی و تا حدودی هم دراماتیک ! حکم را صادر و مسئله را فیصله می دهد . بنا بر این لازم است بطور کوتاه و مختصر هم که شده چند سرفصل از کارنامه ی مجاهدین ذکر و با مواضع جریان اکثریت مقایسه کردد تا چوکوی عدم اعتنای مجاهدین به " منافع ملی " و " مصالح عمومی مردم " از نظر تاریخی مشخص شده و از این رهگذر قد " تاکنون " اکثریت " هم معنی خود را نشان دهد .

الف) در بحبوحه نمایش کروگانگیری سفارت امریکا و دعای ضد امپریالیستی خمینی، مجاهدین به افشای مقاصد سیاسی معینی که در پی برده نهفته بود، پرداخته و کل این حرکت را بعنوان تلاش ارتجاع حاکم برای تثبیت خود بر سرال بردند . بیانه الجزایر که طی آن رژیم کروگانها را آزاد ساخت و در عین متعبد شدن به پرداخت غرامتی سنگین، ساز پس گیری میلیارد ها دلار سرمایه ی مردم کشور مان را به آینده ای نامعلوم موکول نمود، صحت استدلالهای مجاهدین خلق را ثابت کرد . در آن زمان " اکثریت " " اشغال لانه جاسوسی " را در کادر جنبش جهانی ضد امپریالیستی کشورهای مستعمره می دید ! از آن با تمام نیرو حمایت می کرد و به رهبران ضد امریکایی رژیم ملاحا درود و تهنیت می فرستاد .

ب) مجاهدین جنگ ارتجاعی ایران و عراق را محکوم کرد . و آنرا سرپوش رژیم برای رهایی از بحران سیاسی و اقتصادی خود و عامل نابودی حرت و نسل کشور از بیایی کردند . اکنون همه می دانند که راه حل خمینی سرای نجات خودش، برای مردم میهن مان به چه قیمت کرافتی تمام شد : يك میلیون کشته و زخمی . هزار میلیارد دلار خسارت ، در خلال آن سالها " اکثریت " از " جنگ میهنی " سخن می گفت، خواهان " مسلح کردن

نکاهی به تاریخ جنبش های انقلابی . صرف نظر از اینکه متعلق به چه بروه اجتماعی بوده و کدام و چگونه تحولاتی را مدنظر داشته اند، در عین حال نشان دهنده تاریخ گذار قهرآمیز از گذشته به آینده نیست است . نیروهایی که بدلیل نقش بازدارنده شان در روند توقف ناپذیر تکامل ابزار تولید و نیروهای مولده، سه ناکریر به فصل ورق خورده ی جامعه مدنی معاصر شان تبدیل شده اند، با چنگ و دندان بدفاع از روابط گذشته و منافع مستتر در آن بر می خیزند، قلعه و بارومی سازند . به سازماندهی نیروی مسلح روی می آورند، زندان بنا کرده و جلا و میر غضب تربیت می کنند و در يك کلام با تمام انرژی در برابر دگرگونی محتوم مقاومت می نمایند . اما تمایل پیش روی نیروی بالنده این معادله، که از ضرورت حسانی تنفس دوباره ارگانیزم جامعه منتسج می شود، آنجنان نیرومند و جدی ست که او را سرعست به همواررد رزمگاه رقیب تبدیل می کند و به عسارت دیگر او بر به خود آرایش می دهد و به جمع آوری قوا می پردازد تا مقاومت دشمن را درهم شکند .

سازمان این نبرد است که تاکنون سیر تکامل جوامع را ترسیم کرده است و این به کرافت نیست اکثر ادعا کرده نریب به اتفاق دگرگونی های عمده ای که انسان در طول حیات اجتماعی خود بدست آورده - با اندکی پس و پیش - با ساریوی نداشته همخوانی دارد . سدهای مصر، یونان، روم و ایران با غلغله و ادغام قبایل و اقوام برانگنده به مرحله ی سوبنی از روند تاریخ کام نهادند . انقلابات ۱۸۲۸ و انقلاب کبیر فرانسه هر يك درجه هایی بودند که به عصر سوبن کشوده شدند . انقلاب اکثریت روسیه با همین مخمون پایه عرصه ی وجود نهاد . انقلاب چین و ویتنام نیز به همین ساق و ۲۰۰۰۰ حتی آن زمان که تحولات دمکراتیک آماجهای اصلی يك جنبش اجتماعی می باشد و جایجایی را در کمال طبقات در دور دستهای افق سیاسی آن دیده می شود، باز هم تفسیر بر مدار صد آرائی و موازین نوادر محسنه ی سرد کردش می کند . جنبشهای رهانشخش در عصر ما، چه آنها که به بیروزی رسیده اند و چه آنها که در حال نبردند با دورسعی آنرا تدارک می بینند، ناجسار بوده اند از درون يك مبارزه قهرآمیز به سمت اهداف خود بس روی کنند . سکارا گوته، السالوادور، کوبا، الجزایر، فلسطین و غیره از آن جمله اند . انقلاب مشروطه و انقلاب بهمن ۵۷ ملموسترین مثالهایی هستند که در این رابطه می توان به آنها اشاره کرد . محمد علی شاه و محمد رضا شاه در یکدوره مظهر آنچه بودند که بدان مختصرا قهر دولتی اطلاق می شود، و این دو انقلاب در مقابل اراده ی پائینی ها برای دگرگونی در قدرت .

در این میان - آنچنانکه منطق هر جنگ انقلابی ست - نیروهای بظاهر میانه ای نیز وجود داشته اند که در هراس از تغییرات اجتماعی خود را منادیان صلح و صفای همگانی می نامند . از آشتی کرکه و بره سخن می گوید، اینجا و آنجا " کدخداهایی " می کنند و سر آخر وبه موازات گسترده تر شدن جنبش و ظاهر شدن چشم انداز بیروزی در افق آن هر چه بیشتر به سمت سکرهای دشمن می خزند . یکی از نمونه های چشمگیر این آکروبات بازی سیاسی در صحنه ی اپوزیسیون کشور ما جریان " اکثریت " است که جدیدترین فاکت در

بعمل نمی‌آورد. آقای قاسملو اولین قربانی این توهم نمود و یقیناً آخرین آن نیز نخواهد بود. او نیز برای رسیدن به اهداف خود به قول "اکثریت" از "روشهای متمدنانه" استفاده کرد اما بدبختانه طرف مذاکره به هیچ وجه با این "روشها" موافق نبود!

پیش از سی خرداد که مبارزه مسلحانه‌ای در کار نبود، به چه دلیل رژیم تظاهرکنندگان را در تهران، قاشمشهر، اصفهان، سنندج و... به گلوله می‌بارید؟ گسیل چماق‌داران برای برهم زدن اجتماعات برای چه بود؟ چرا نام کاندیدای مجاهدین برای ریاست جمهوری (مسعود رجوی) که از جانب محافل وسیعی از جریانات سیاسی مردمی حمایت می‌شد، از لیست کاندیداهای حذف گردید؟ تغلب در انتخابات مجلس به چه منظور بود؟ دستور شلک به سوی شرکت کنندگان در شلک تظاهرات مسالمت آمیز و "تمام کش کردن زخمی‌ها" را چه زمان وجه کسی صادر کرد؟ اینها سرانجام امکان شرکت مسالمت آمیز در حیات سیاسی جامعه را عملاً از نیروهای انقلابی سلب کرده و به آنگونه کسسه "اکثریت" وانمود می‌کند که مسئولیت دوجانبه.

آن چیزی که حریان نامرده "خسونت و انتقام جویی" می‌یابد، مقاومت عادلانه مردمی است که برای رهایی از چنگال نامولایان و مالشان و بدست گرفتن سرنوشت خود بیاخواسته‌اند. قیام مردم مشهد نشان داد که توده‌ها در مقابل قهرضد انقلابی رژیم، هر چه بیشتر و گسترده‌تر قهر انقلابی روی می‌آورند. آنان راه حل خود را یافته‌اند، راه حلی که مقاومت ایران از سال‌های پیش عرضه کرده و تمام نیروها و امکاناتش را در خدمت آن بکار گرفته است. این مسیر است که تمامی خلقهای تحت ستمی که اراده کرده‌اند تا نظم نوینی را بی‌افکنند و مقهور دستگاه سرکوب نشده‌اند، طی نموده‌اند و از این پس نیز طی خواهند کرد. مردم نیکار آگوشه ساست نخستین در برابر کراخ سوموزا او را ناچار به فرار کردند، در افریقای جنوبی این ارشادات برادرانه اسقف توتونوبود که سیستم آپارتاید را بدارک واصل کرد. انقلاب کوبا بوسیله تقدیم دسته کل سه جوخه‌های مرکب از ساستا به پیروزی رسید، با سنج فاشیسم هیتلری جنگ بود و هیچ کس هم نیروهای ساستی منتفخن را بدلیل توسل به "خسونت" سرزنش نکرد. اما با منطق "اکثریت" هر جنبش برای رهایی ملی و هر مبارزه آزادیبخش را می‌توان در کشور ناقضین حقوق بشر جای داد چرا که به "خسونت" توسل جسته‌اند! برای این جریان که از چشم راست نابیناست، مبارزه یک مفهوم تجریدی و خسونت، خسونت است! واقعا چه پیش شرطهای فوق العاده‌ای وجه اتمسفر ایده‌آلی برای عوض کردن جای مجرم با قربانی! مع الوصف اسن تنها "اکثریت" نیست که از چنین استعدادی بسر خوردار است. تقریباً همه دیکتاتورهایی که بسا مقاومت توده‌ای روبرو بوده‌اند، مخالفین خسوسود را ترور بست، آدمکش، محل نظم و آرامش و غیره خوانده‌اند. رژیم آخوندها هم خود را قربانی تروریسم می‌داند و "سازمان دفاع از قربانیان خسونت" خود را دارد. همدی که این جنبه تبلیغاتی دنبال می‌کند مشروع جلوه دادن موجودیت دستگاه سرکوب و شیوه‌های ضد انسانی آن است، آنها وانمود می‌کنند

بندست می‌دهد. مبارزه با این رژیم از مجراهای دموکراتیک مانند انتخابات، رسانه‌های همگانی، شکل‌های توده‌ای، و... در حالیکه اساس و فاسدین موجودیت رژیم اساساً صحوا و محاح، دموکراسی است و در این رابطه از هیچ قانونی پیروی نمی‌کنند. بیشتر یک شوخی بیمزه است تا یک طرح جدی مبارزاتی. شرط ابتدائی و بدیهی چنین امری آزادی احزاب، مطبوعات، اجتماعات، آزادی بیان، عقیده، دین و غیره است و همه اینها می‌بایست تحت یک چارچوب مدون به اجراء تفکیک ناپذیر قانون و به زیربنای رابطه دولت و مخالفینش تبدیل گردد. طبعاً بدین منظور می‌بایست در مرحله اول ارگانهای متعدد سرکوب، وزارت ارشاد و دستگاه قضائی منحل شوند. قسم رسته گوسفندان یعنی ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و مجلس خبرگان حق تعیین سرنوشت مردم را به خود آنان واگذار نماید و سرآخر مجلس ودولتی که چکیده و محصول استبداد مذهبی هستند استعفا داده و راه را برای یک انتخابات فراکلیسی و دموکراتیک هموار نمایند. تمام این شروط لازم و ملزوم یکدیگرند، به روند انتخابات قبلی مجلس بنگرید. سیاست حکومت در آن زمان حذف جناح خط امام بود، شورای نگهبان کاندیداهای آنها را بدلیل عدم بسر خورداری از صلاحیت مکتبی و فقهی به سادگی تمام حذف کرد و انتخابات با نتایج مطلوب به پایان رسید. به عبارت ساده‌تر ارگانهای سیاسی، نظامی و قضائی رژیم در این مورد مانند کلیه مواردی که به اعمال سرکوب بر می‌گردد، به مثابه یک زنجیره به هم پیوسته عمل کردند.

اینکه رژیم تا چه حد مخالفینش را تحمل می‌کند را باید در نحوه برخوردش با عناصر و جریاناتی یافت که در اصل و اساس با او تضادی ندارند و فقط اینجا و آنجا بر سر شیوه‌ها، تقسیم قدرت یا نحوه سرکوب غرولند می‌کنند. بعنوان مثال "ایورسیون حضرت امام" (ادارودسته بازرگان) در حالیکه هیچ فرصتی را برای ارائه خدمات و ابراز وفاداری از دست نمی‌دهد در عین حال هنوز پس از گذشت نزدیک به ده سال تقاضای صدور جواز برای گشودن دفترش، در وزارت کشور خسوساک می‌خورد و گاه و بیگاه اعضا و بزیدیکاش سرارزندان اوین و مصاحبه تلویزیونی در می‌آورد. "امد است و امام" (منظری) با تعطیل اجباری موعظه‌هایش، چماق کشی در حوزه و دستگیری و اعدام اطرافیانش روبروست. از آن نماینده مجلس که خانه‌اش آتش زده شد و دکتر ساسی می‌گذرد.

راه حل "اکثریت" برای مبارزه در راه "منافع و مصالح ملی و عمومی" تحت چنین شرایطی، عدم مبارزه و عقب نشینی مداوم است. دو مقاله مذکور از مبارزه مسلحانه بعنوان امری که موجب تشدید خسونت و انتقام جویی از جانب دوطرف می‌گردد "یاد می‌شود" من فکر نمی‌کنم جریان مسئولی وجود داشته باشد که در حالیکه امکان پیش بردن نظراتش از کانالهای مسالمت آمیز و دموکراتیک میسر باشد، دست به اسلحه ببرد. در مقابل نیز کسی که ریگی به کفش نداشته و دارای عقل و مزاج سالم باشد نیز در بحبوحه اختناق و سرکوب تمام عیار از مردم برای شرکت در مبارزه پارلمانی و برقراری صلح و صفای همگانی دعوت

ملاحظت سیاسی و اعتبار تاریخی برای تعیین اینکه چه چیزی "منافع ملی" و "منافع عمومی" است بر خوردار می‌باشد؟ برای رفتن به جلد دایه مهریانتز از مادر و صدور فتوا، البته هیچکس نمی‌تواند حسب "اکثریت" را جلب نماید اما شرط احتیاط ایجاب می‌کند که در معنای واقعی عبارات با بار سنگین اندکی تحقیق بشود. پس اجازه بدهید بعنوان یادآوری هم که شده ابتدا شرایط کنونی کشورمان را یکبار دیگر مرور کنیم تا مشخص شود "منافع ملی" و "منافع عمومی" کجا زیر ضرب قرار گرفته و توسط چه کسانی باامال می‌شود:

در زمینه سیاسی، استبداد و خفقان بطور تصاعدی افزایش می‌یابد و دامنه آن حتی فالانزهای خط امامی را نیز دربر گرفته است. اکنون تکلیف آنهایی که واقعا حرفی برای گفتن دارند پیشاپیش معلوم است. در ساختار جمهوری ملاحا حرب فقط حرب الله است و سایر احزاب تنها می‌توانند در محل زندان اوین و روی تخت شکنجه فعالیت داشته باشند. رژیم بدلیل نقض حقوق بشر طی سالان منمادی بازها توسط مجامع بین المللی محکوم گردیده و در این زمینه کورداد است. از نظر اجتماعی فشار و سلب بدیهی تری آزادیهای فردی از این رژیم یک بدیده منحصره فرد ساخته است. در هیچ کجای دنیا داشتن و بدو جرم نیست. موسیقی گوش دادن شلاق و زندان دربی ندارد، کسی را بخاطر دیده شدن موی سرش یا پوشیدن جوراب نازک تحت پیگرد قرار نمی‌دهند. هیچ کجا بدلیل مصروف رزلب به صورت کسی اسید نمی‌پاشند. کشوری را پیدا نمی‌کنید که رئیس جمهورش به فحشا مشروعبست ببخشد و جمعیت متعادلین آن از میلیون بگذرد. هیچ جا... در زمینه اقتصادی رژیم حاکم سرمایه حذاقبل صدسال کشور را به تنور جنگ رخته و کماکان مجدانه در پی بنکلاشی کردن آن است. دهه‌های میلیاردری آخوندها ناده‌ها سال کلوی اقتصاد را خواهد فشرد و حتی نسل‌های آتی نیز از خسارات آن در امان نخواهد بود. طبق آمار خود رژیم دو سوم جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بخش اعظم خسروت در اختیار در صدنا چیزی است. کشاورزی روبه مرکه تدریجی و صنایع در حال متوقف شدن است.

نتیجه دهشت با این شرایط و نتایج غیرقابل اجتناب آن برای کشور مادامیفا همان "منافع ملی" است که روزانه لگدمال می‌شود و سرنوشت میلیونها انسانی که زندگی امروزشان به نیستی کشیده شده و آینده فرزندان‌شان در سباهی اسهام غوطه‌ور است همان "منافع مردمی" است که برایش باید چاره‌ای اندیشید و فکری کرد.

خوب، سبب این وضع کیست؟ این بلا کسسه از آسمان نازل شده بلکه یک عامل زمینی دارد که می‌بایست با آن مبارزه کرد و آن هم ناگفته پیداست که رژیم خمینی و دارودسته‌های رنگارنگش هستند. برای این نبردها می‌بایست خط مشی معینی داشت و آنچنانکه قاعده اتخاذ هراستراتژی و تاکتیکی است. این اراده، میل یا خواهش افراد نیست که شیوه مبارزه را تعیین می‌کند بلکه شرایط عینی لحظه نبرد آنرا



که اقداماتشان تنها واکنشی در مقابل تحریکات طرف مقابل است و اگر فعالیت تروریستی نباشد، حال نیست فوق العاده نیز از میان می‌رود و دمکراسی و حقوق بشر در ارگاسهای کشور جاری می‌شود! در یک کلام، خودکامگان می‌خواهند دستهای خونین خود را در خانه بشویند و در انتظار با آستین‌های با لایزه پدیدار شوند و این همان هدفی است که "اکثریت" برای کمک بدان به جلد کبوتر سپید صلح رفته و شاخه‌ی زیتون به نوك گرفته است. زمانی که او از "انتقامجویی طرفین" سخن می‌گوید در واقع او لا مسئله را دو جانبه قلمداد می‌کند بدین معنا که مجرم و قربانی را در یک کفه‌ی ترازو قرار می‌دهد. گویا این مجاهدین هستند که صدها هزار نفر راه رعدان وزیر شکنجه کشیده‌اند، گویا آنها عامل اعدام بیش از صدها هزار زبیرترین فرزندان این سرزمین و بوم می‌باشند. و بطور ضمنی بر ادعاهای رژیم و تبلیغات ساواک آن مهربانند می‌نهند. تا اینکه مطالبات عادلانه مقاومت ایران را استقلال، صلح و آزادی را به "انتقام جویی" تنزل داده و وانمود می‌کند که این مبارزه ارتباطی با شرایط فاجعه بار حاکم بر کشور نداشته و تنها خصوصی دو جانبه است که سرانجام به انتقام کشی منجر گردیده! در حالی که رئیس برنامه، اهداف و چشم اندازهای مقاومت برای هر کسی که چشمی برای دیدن و کوشی برای شنیدن داشته باشد، واضح و آشکار است. این مطالبات بیان کننده اصلی ترس و صرم ترس خواستهای نام مردم ایران و در برگیرنده نقطه نظرانی است که آسمان تاریخی کلمه جنبشهای دمکراسیک میسر مسلمان از مشروطه تا انقلاب بهمین را تشکیل داده است. اما برای کسانی که بر سبب های ساسی آنها به پیروی از مواضع شان تنها در زمان غفب کرد واکنش نشان می‌دهد مخدوش ساختن خطوط و تحریف حقائق بیش از منافع مردم اهمیت دارد. آنها از آنسده، از تغییرات رادیکال، از قیام و تورش و حنت دارند و جانوری چون رتسجانی را هزار باره جیش نوده ای ترجیح می‌دهند به این امید که روزی بتوانند دوباره در بیوق راه رشد اما اینار سرمایه‌داری بدمد و زیر سایه اشال لاجوردی دفتر دستکی بریا کنند. "اکثریت" خوب می‌داند که تاریخ گذشته و معاصرش از او در حافظه تاریخی نوده‌ها چیزی به جر چوب زیر بغل آخوندها به جای نمی‌گذارد پس بر آن شده که بقول شاملو "با ساعت شامطمدارش بیچاره خلق را منقاد کند که شب هنوز از نیمه هم برنگذشته". "اکثریت" می‌نویسد: "مردم با عملیات نظامی و انفجار لوله‌های نفتی مخالفت می‌کنند". "اکثریت" در نقش سخنگوی کدام "مردم" سخن می‌گوید؟ همان مردمی که در تهران، شیراز، اراک، تبریز، همدان، مشهد، زاهدان، بوکان، سنندج، تاسیسات رژیم را از کار می‌اندازند، مراکز آبرو و سران می‌کنند، ماشین‌هایش را آتش می‌زنند، مزدورانش را خلع سلاح می‌مایند و آنها را گوشمالی داده و بی مجازات می‌رسانند؟ یا آن "مردمی" که انفجار لوله‌های نفت موجب کاهش قدرت خرید ایلحه و فشک آنها برای شلیک به سینه‌ی آن دسته دیگر "مردم" می‌شود؟ این کدام "مردمند" که به منافعشان در این

میان خسارت وارد آمده و متحمل ضروریان می‌شوند؟ برای درک منظور واقعی "اکثریت" از آنچه گفته می‌نویسد می‌بایست نه خود سطور که فاصله‌ی میان آنها را خواند، او به جناح رتسجانی با بقول خودش "تکنو-کراتها و عرفی کراها" اسم مستعار "مردم" می‌دهند و از سوی دیگر از کانال برخورد با مجاهدین در برابر مقاومت انقلابی نوده‌ها سکر می‌گیرد. او به صلاح خود نمی‌بیند که به عنوان مثال علنا در مقابل قیام شهید موضع بگیرد چرا که در این صورت از یکسویه پیسرت افتادگی خود از مردم و خواسته‌هایشان اعتراف کرده و از سوی دیگر در بازی استحاله خود را سوزانده است. نه، او ترجیح می‌دهد به پای مجاهدین و مقاومت مسلحانه بپیچد و به خیال خود کبره رادم حمله نکند. این جریان به همین سبب زمانی که از "قرار گرفتن" کشور در آستانه تجربه" بدلیل عملیات نظامی مجاهدین دم می‌زند در حقیقت پیام سرکشده‌اش راه آدرسهای دیگر نمی‌فرستد. صرف نظار جنبش عمومی نوده‌ها در سطح کشور، یک کبریده بالفوه دیگر می‌تواند جنبش خود مختاری طلبانه مردم کردستان باشد زیرا این جنبش نیز بطور مسلحانه با رژیم مبارزه می‌کنند و دقیقاً در همان چارچوب مورد نفی "اکثریت" یعنی "تشدد خشونت" و "انتقام گیری" قرار می‌گیرد. مخالف بر اینکه تهمت "تجزیه طلبی" زدن به کردها امر شناخته شده‌ای است و سابقه دیرینه دارد و این روزها بر تفریبانه قتل متیرک همه جریانات و کسانی تبدیل گشته که بدیناد خود را به رتسجانی بسته و به مردم التماس می‌کنند که کاری به او نداشته باشید زیرا کشور از هم می‌پاشد! صرف نظر از تمسخر آ میر بودن اتهام تجزیه طلبی یا فراهم کردن شرایط آن توسط مجاهدین، این نکته را هم باید مدنظر شد که رتسجانی مخالفت از امیر خلفهای یک کشور تحت یک چارچوب واحد تنها زمانی امکان پذیر است که یک رابطه دمکراتیک مبتنی بر شناسایی حقوق متقابل آنها مناسباتشان را تنظیم کند. اگر کسی باشد که در این میان نتواند کشور را به تلاشی سوق دهد همانا رژیم ملاهاست که ابتدایی ترین حقوق خلقهای ایران را لکد مال کرده و می‌کند. بر سرشان سب می‌ریزد و آنان را به تنگنای معیشتی کشانده است.

لوله‌های خرگرمی همچون "تجزیه کشور" یا "منتشخ شدن اوضاع منطقه" در حقیقت کارانتسی ادامه حیات رژیم است. از نظر "اکثریت" مسئله خیلی ساده است. وجود یکی در کرو نفی دیگری است! و این همان خط استحاله است که به مرور زمان فرم می‌گیرد و توجهات جدیدتری از آستین بیرون می‌کشد. فراخوان این جریان به "مبارزه مثبت و متمدانه" نیز در همین راستا چیزی جز دعوت به تمکین ر یونانسه در مقابل رژیم نیست. او از مردم می‌خواهد تا ندان به چکر بگذارند و در انتظار تحول این ماموت های قسرون وسطایی به سوپر فونکسیونهای قرن بیستمی باشند. تحولی که به هیچیک از واقعیات کنونی جامعه‌ی ما تنه نمی‌زند و تنها ساخته و پرداخته کسانی است که از ترس مردم و انقلاب حتی با شیطان هم معاهده امضاء می‌کنند. اما "شکم خالی امروز را وعده‌ی نان فردا میسر نمی‌کند" بخ "برنامه پنج ساله" زودتر از آنکه تصور می‌شد آب شد و شور و شغف ناشی از شکست تندروها

در انتخابات مجلس چهارم به سرعت جای خود را به نایب و بومیدی داد. راستی اکنون باید منتظر چه معجزه دیگری از این امامزاده بود؟ و این بار طیف استحاله چی می‌بایست کجا اطراق کند و باره زمین بگذارد؟ در پاسخ به سوال اول "اکثریت" هنوز به کشف ترازهای نائل نیامده اما در رابطه با سوال دوم گمان می‌کنند پاسخ ریاخته باشد. او فعلا به ممان مخالفین خط سازش رفته تا از یکسو جاخالی دادن های سیاسی " عناصر مدره" را به خیال خود با کمترین خسارت رفت و روپ کند و از سوی دیگر تیغ مبارزه مسلحانه که چشم انداز سرتکونی رژیم را بی هیچ سوء تفاهمی تصویر می‌کند را کند نماید.

سازمان "اکثریت" گویا ضرب المثل "تجزیه را تجربه کردن خطاست" را شنیده. هنوز زمان نسبتاً درازی از جاسداری آنها از "خط امام" نمی‌گذرد. در آن زمان نیز "اکثریت" بعدنیال یافتن متحد در میان رژیم بود. خرده بورژوازی رادیکال، خرده بورژوازی سنتی، جناح بازار، جناح حجنبه، خط امام، خط صانه و غیره و نبره تنها بخشی از تقسیم بندیهای ذهنی‌ای بود که به کمک آنها مواضع خود را توجیه می‌کرد، خط مشی که سرانجام او را به اوج ضدت و دشمنی با نیروهای انقلابی و کرداب کارچاق کنی و جاسوسی برای رژیم افکند. در بورژوازی تناسب شرایط از "جناح رادیکال" دفاع می‌کرد و امروز ستمک "جناح میانه‌رو" را به سینه می‌زند. نتیجه در هر دو مورد یکی است: بی اعتمادی مطلق به نوده‌ها و همسویی با دشمنان آنها.

این راهی است که حزب نوده نیز اندامای حمایت از اصلاحات ارضی شاه و اتخاذ خط قانونی شدن و سپس پشتیبانی از رژیم خمینی طی کرد و سرآخر به انجاس رسد که همه می‌دانیم.

انتقاد از خودهای چندسال پیش بر کارنامه امروز "اکثریت" سهرقوسلی نمی‌زند چرا که وی دوباره به تکرار همان اشتباهات استراتژیک پرداخته و نشان می‌دهد که تاجه حد در این انتقاد از خودها حسدی و صادق بوده است. کره کار این جریان فلان فرد رهبری نیست که از ماوراء راست تاجب با همه کس و هر کس نخته سرد می‌زند، بلکه دیدگاهی است که بندویست را به سیاست، مصالحه راه انقلاب، همونی دولتی

راه قدرت نوده‌ای و استیانی را سر درگونی ترجیح می‌دهد. تفکری که عوام الناس آبر را بوقلمون مفتی" و سبایون "فرصت طلبی" می‌نامند.

مصور امان - مرداد ۷۲

پوزش

در شماره ۹۸ سردخلق (شماره قبل) در بخش رسانه‌های خبری جهان، ترجمه‌ای از مجله هفتگی الوطن العربی تحت عنوان گفتگوی مشروح با کارشناس طراز اول جنبشهای مذهبی و بنیادگرای اسلامی - یهودی - مسیحی چاپ شده است که نام این فرد از قلم افتاده است. ضمن پوزش از خوانندگان سردخلق، نام این شخص جلیل کبیل می‌باشد.



دولت متزلزل رژیم بحرانی

از صفحه ۱

سیاست، ثروت و علم "خواستار مقاومت در مقابل ایس" "هجوم" بی سابقه شد. روزنامه سلام در شماره روز بعد خود سیزایی مقاله را ادامه داده و بازمهم خواستار "مقاومت در مقابل جناح راست" شد. در مقابل روزنامه رسالت با حمله به روزنامه سلام، از برخورد "دوگانه" این روزنامه انتقاد و سلام را به عوامفریبی متهم نمود. در همین شرایط روزنامه رسالت، طی یک خبر در شماره روز ۷ مرداد خود "نظر اکثریت نمایندگان مجلس در مورد دولت" را منتشر کرد. این نمایندگان خواستار تغییر ۱۲ وزیر کابینه بودند. روزنامه سلام در شماره ۵ مرداد خود اعلام نمود که ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس به هرکاسدای که رفسنجانی معرفی کند رای اعتماد خواهند داد. در مراسم رفسنجانی در ۱۷ مرداد کابینه خود را معرفی نمود و به بخشی از خواسته‌های نمایندگان رسالت داد. رفسنجانی با کنار گذاشتن ۶ وزیر و یک جناحی از میان ۲۳ وزیر خود، در صدد برآمد تا تمام نمایندگان را راضی کند و هم به خواسته‌های امتیاز دهنده، بهر حال ایس را دادن به خواسته‌های بازار و خواسته‌های کاسدای برنخادر امجیورا است اداره نماید و این در حالی است که عملاً جناح مقابل به تمام خواسته‌های خود رسیده است. سایر این تشاد در دولت حکومت هم در کاسمه وهم در تشاد بین کل کابینه و مجلس حلی خواهد ساخت. البته رفسنجانی افرادی مثل خاموسی، نادا، جیحان، باهنر، عسکرا و لادی، نبوی، جواد لاریجانی و روحانی که جناح مقابل خواستار بر کماری آنان بعنوان وزیر بود، در کابینه خود وارد

بیانیه شورای ملی مقاومت

از صفحه ۹

ارتباط با عناصر مشکوک، چه نقش قاطعی در خنثی کردن توطئه‌های دشمن دارد. پیش‌انداختن «انتخابات ریاست جمهوری» مانور دیگری بود که رفسنجانی، با توافق سایر سردمداران رژیم آخوندی، برای نشان دادن ثبات و اقتدار خود و تداوم سیاستهای «پراگماتیستی» و «میان‌روانه» اش، به اجرا گذاشت. این مانور، که اساساً رو به بیرون داشت و هدفش جلب همکاری و سرمایه‌گذاری خارجیان بود، در عمل نتیجه‌ی خلاف انتظار طراحان آن به بار آورد. رفسنجانی، که ادعای رفوم اقتصادی و اجتماعیش با قیام مردم شهرها باطل شده، اقتدارش با میداندار شدن خامنه‌ای به سختی لطمه دیده و نفوذ و اعتبارش پس از پیروزی باند ارتجاعی رسالت در انتخابات مجلس رژیم شدت کاهش یافته بود، در «انتخابات ریاست جمهوری» که توسط مقاومت و مردم ایران مورد تحریم قرار گرفت، چیزی به دست نیاورد، به عکس بیش از پیش خوار و بی‌اعتبار شد. ناظران و محافل خارجی نیز به خودداری اکثریت مردم از شرکت در این انتخابات نمانی و بعضاً به درصد آرای توکلی - که کاندیدای رسمی باند ارتجاعی رسالت نبود - بیشتر توجه کردند تا به «اکثریت مطلق» آرائی که به نام رفسنجانی از صندوق‌ها درآورده شد. توضیحات مبذول و مضحک خود رفسنجانی در مورد نتایج این انتخابات و علل آن نیز بیشتر به پریشان‌گوئیهای یک کاندیدای شکست‌خورده، حیثیت‌ناخته و از کوره در رفته شباهت داشت تا به رجزخوانیهای یک پرنده مقتدر و

بی‌گفتگوی انتخابات. پیش‌انداختن انتخابات، علاوه بر آن، بروز تضادهای درونی باندهای حاکم را نیز جلو انداخت؛ بطوری که بلافاصله پس از اعلام نتیجه انتخابات، باند رسالت، که از این پیشتر قوه قضاییه، مجلس و شورای نگهبان رژیم را تحت نفوذ خود گرفته بود، برای جا دادن مهره‌هایش در هیات وزیران و مهار رفسنجانی شروع به وارد آوردن فشار کرد. بدین ترتیب رفسنجانی، کاندیدای مشترک تمامی جناحهای حاکم و امید پاره‌ی از سیاستهای خارجی، دوره دوم ریاست جمهوری را با موقعیتی به مراتب ضعیفتر از دوره اولش شروع می‌کند.

نمایش بی‌اعتباری و متزلزل رفسنجانی در عرصه داخلی، انزوی رژیم در صحنه بین‌المللی را نیز بیشتر کرد. به علاوه آشکار شدن ورشکستگی اقتصادی رژیم و ناتوانیش در پرداخت بدهیهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت خارجی در آغاز سال جاری مسیحی، بعضی از کشورهای اروپائی را - که تا آن زمان داد و ستد با رژیم را سودآور یافته و از دادن اعتبار به رفسنجانی دریغ نداشتند - به وارد آوردن فشار برای وصول مطالبات خود واداشت. همزمان، دولت جدید آمریکا نیز رژیم را یاغی بین‌المللی و سرچشمه تروریسم دولتی در سطح جهان خواند و از همپیمانان خود خواستار محدودیت معاملات تجاری با آخوندها شد. رژیم ضدبشری، در برابر فضای نامساعد بین‌المللی، به تنها شیوه‌ی که با آن آشناست، یعنی فرار به جلو و تشدید عملیات خرابکارانه و تروریستی، متوسل شد، درهای کشور را به روی هیات تحقیق ملل متحد برای نظارت بر وضع حقوق بشر بست و سیاست صدور ارتجاع به کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای منطقه، را با شدتی بیشتر ادامه داد. ترور مخالفان ایرانی در خارج کشور، حمله هوایی به قرارگاههای ارتش آزادیبخش در خاک عراق، بمباران کردستان عراق و وارد کردن نیرو به آن منطقه و تهاجم به گروههای کرد ایرانی افزایش جایزه قتل سلمان رشدی، دامن زدن به عملیات تروریستی در کشورهای عرب، که به قطع روابط دیپلماتیک الجزایر با رژیم و موضع‌گیریهای شدید و مکرر مصر علیه حکومت آخوندی منجر شد، فقط نمونه‌هایی از ماجراجوییهای نامیدانه رژیم طی سال گذشته بود. مجموعه این حرکات دیوانه‌وار در سطح بین‌المللی همراه با خرید و ذخیره اسبوه سلاحهای کشتار جمعی توسط رژیم و تلاش بی‌وقفه‌اش برای کسب سلاحهای اتمی و دستیابی به تکنیک تولید آن، نگرانی بسیاری از کشورها را برانگیخت و باعث شد که حکومت رژیم ضدبشری در مجامع بین‌المللی شدیدتر و طرد آن از کشورهای دیگر گسترده‌تر شود.

حاصل این همه، همچنان که در بیانیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت به تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۷۱ آمده است، پذیرش تحلیل مقاومت ایران از ماهیت فاسد و اصلاح‌ناپذیر رژیم ضدبشری خمینی و، در نتیجه، باطل شدن افسانه استحاله‌پذیری رژیم بود. این پذیرش نظر، طبعاً ارج و اعتبار مقاومت را در سطح بین‌المللی بسیار بالا برد و حمایت آشکار مجامع، پارلمانها، شخصیتها، احزاب و سازمانهای سیاسی کشورهای مختلف از مقاومت عادلانه مردم ایران را به دنبال آورد. مشروح اظهار نظرها و موضع‌گیریهای یاد شده در حمایت از مقاومت ایران طی سال اخیر، در نشریات مختلف وابسته به

در صفحه ۲

رسالت

۱۱ مرداد ۱۳۷۲

آقای دکتر غفوری فرد در تالار اسب جلاس نظر جامعه علمی مهندس سرمد خانگرسنی و در به شرح زیر اعلام کرد:

برای وزارت اطلاعات سپهبد اول آقای دکتر روحانی و سپهبد دوم خود آقای فلاحتیان می‌باشد برای وزیر بازرگانی آقایان مهندس خاموسی که نماینده تهران هستند و آقای احمد توکلی (السه آقای توکلی فصد اذمه محصل دارند و اساع کردند، ولی آموغ که ما رای گیری کردیم اسان هور نصیم نگره بودند)، و آقای اسدالله نادا، برای وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی آقای دکتر زرگر، وزیر نس و بلگراف و بلفی به تربت آقای مهندس واعظی و آقای مهندس صغری، برای وزارت جهاد سازندگی، آقای مهندس ناصر، صما برای آقای دکتر نرادحسین و وزارت راه و ترابری با خود وزارت صنایع سنگی را سنهاد کردیم. در مورد آقای نرکان هم همان وزارت دفاع نا صنایع سنگی، برای وزارت صنایع آقای مهندس خاموسی که عرض کردیم هم نماینده تهران هستند و هم رئیس اطاق بازرگانی آقای مهندس مرغسی، برای وزارت فرهنگ و آموزش عالی آقای دکتر هاشمی گلشنیگانی دسر سوزانی عالی، فعالیت فرهنگی و آقای دکتر سفانانیزاد که رئیس دانشگاه صمی اصفهان هستند، برای وزارت کار آقای کاشانی برای وزیر کشاورزی خود آقای کلاسنی، برای وزارت کشور به تربت آقای عسکرا و لادی، آقای مهندس باهنر و آقای وزیر وزارت معادن و فلزات آقای مهندس میرسلیم برای وزارت مسکن و شهرسازی آقای مهندس آخوندی و آقای مهندس کوبانی، برای وزارت نفت، آقای دکتر نرادحسین و آقای مهندس نجوی، برای وزارت نیرو، آقای مهندس سون، برای وزارت دادگستری خود آقای سوسیری، برای وزیر تعاون خود آقای مهندس شافعی، برای وزارت خارجه آقای دکتر جواد لاریجانی، آقای دکتر روحانی و نفر سره هم خود آقای ولایی، اینها سبهادهای جامعه سازی مهندس به جانب آقای رئیس جمهور بود. اسانه که کوسها و معاهدتهای ما خالصه و جعانه بوده و مرضی جن عالی ناسه و نسلاه عسکم و رحمت الله و برکاته.

رسالت

۱۱ مرداد ۱۳۷۲

اعلام نظر اکثریت نمایندگان مجلس در مورد دولت

مجلس بر خوددار نسد. اس ۱۲ وزارتخانه عبارتند از: کشور، نفت، نس و بلگراف و بلفی، اقتصاد و امور دارایی - بازرگانی - راه و ترابری - علوم و آموزش عالی - بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - جهاد - نیرو - معادن و فلزات و مسکن و شهرسازی. سراسر اس گزارس رئیس جمهور نس از سوز و بررسهات مختلفی که آغاز کرده اس حد روز نس از سزگاری مرانس مختلف سراسر جمهوری، و برای مورد نظر خود را به مجلس معرفی خواهد کرد.

بیانیه شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت ایران چهل و یکمین سالگرد قیام سی تیر ۱۳۳۱ را، که روز پیروزی اراده ملت بر توطئه استعمار و ارتجاع برای شکست جنبش ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق بود، گرامی می‌دارد و بار دیگر به راه مصدق بزرگ، راه شرف و افتخار و آزادی و استقلال ایران اعلام وفاداری می‌کند. شورای ملی مقاومت در این سالروز تاریخی، که با دوازدهمین سالگرد تأسیس همزمان است، به تمامی رزمندگان آزادی که در شرایط سخت کنونی در داخل و خارج کشور با بلیدترین حاکمیت تمامی تاریخ ایران پیکار می‌کنند و عزم سرنوشتی رژیم جنایتکار آخوندی را کرده‌اند، درود می‌فرستد و در برابر همه شهیدان راه آزادی و سربلندی ایران سر فرود می‌آورد. این مقاومت، با شهیدان و رزم‌آوران و با ارتش آزادی‌ستاش مبرم‌ترین خواست مردم ایران یعنی سرنوشتی حکومت آخوندی و تحقق آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی را نمایندگی می‌کند و همچنان که سردمداران رژیم می‌گویند، «سرچشمه» سیاسی مقاومت مردمی و خیزشهای اجتماعی است.

سالی که گذشت، به لحاظ کیفیت و تنوع رویدادهایی که در برداشت، از اهمیتی کم نظیر برخوردار بود و در یک کلام، به چرخش دوران به سود مردم و مقاومت ایران و به زیان دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر میهنمان راه برد.

اینک، پس از گذشت یک سال، به روشنی می‌توان دریافت که زنجیره قیامهای مردمی در شهرهای مختلف میهنمان در بهار سال گذشته، تا چه حد در جهت دادن به این تحولات نقش داشته است؛ جهتی که می‌توان آنرا در یک کلام خلاصه کرد: انزوای هر چه بیشتر رژیم در عرصه داخلی و بین‌المللی و، در مقابل، انبساط و اعتلای مقاومت عادلانه مردم ایران. وقوع این خیزشهای زنجیره‌ای در شهرهای مختلف کشور، در واقع نقطه عطفی بود که چند واقعیت اساسی جامعه را که شورای ملی مقاومت پیوسته آنها را خاطر نشان نموده و مورد تأکید قرار داده بود، به نحوی عریان به نمایش گذاشت.

اول این که رژیم به لحاظ داخلی، هیچ پایگاه توده‌ای، به ویژه در میان «مستضعفان» ندارد و تنها ضامن ادامه حیاتش گله مزدوران مسلحی است که در دستگاههای جاسوسی و سرکوب سازمان داده شده‌اند. دوم این که تضاد میان مردم محروم و ستمدیده کشورمان و باند غارتگر حاکم به درجه‌ای از شدت رسیده است که هرنوع درگیری مردم با شهرداری یا سایر دستگاههای اداری ظرف چند ساعت، نخست به نمایش مخالفت سیاسی و سپس به قیام قهرآمیز علیه حکومت آخوندی مبدل می‌شود و به طور بلافاصل با جنبش مقاومت مسلحانه انقلابی و آلترناتیو سیاسی آن پیوند می‌خورد.

سوم این که، بدین ترتیب، رژیم ضدبشری، به خلاف همه ادعاها و صحنه‌سازیهایی که می‌کند، نه تنها هیچ‌گونه شایسته‌ای ندارد بلکه با خطر واقعی و حاد سرنوشتی روبه‌روست.

چهارم این که رژیم ولایت فقیه، به هیچ‌وجه و در هیچ شرایطی استحاله‌پذیر نیست و سرکوب و اختناق و

صدور تروریسم و ارتجاع و استبداد دینی خصایص ذاتی و تفکیک‌ناپذیر آن هستند.

پنجم این که آثار «زهر آتش بس» و مرگ خمینی - به عنوان تنها فرد متحد کننده جناحهای مختلف حاکمیت ارتجاعی - سرابای رژیم و نیروهای آن را در نور دیده و آن را در تمامی تضعیف می‌کند. در چنین وضعیتی شرایط سرنوشتی کردن حکومت آخوندی بیش از پیش فراهم می‌گردد.

ششم این که نقش و اعتبار شورای ملی مقاومت ایران به عنوان تنها جایگزین سیاسی این رژیم و هم چنین ضرورت و کارایی ارتش آزادیبخش ملی به عنوان ابزار اصلی سرنوشتی حکومت نامشروع آخوندی بیش از پیش مبرهن گردیده است.

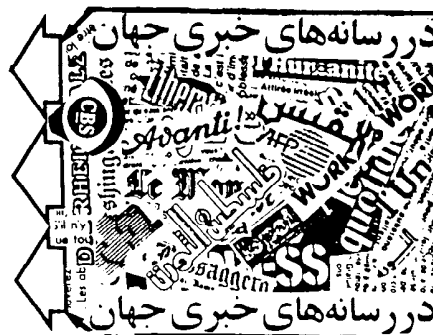
به نظر می‌رسد که درک همین واقعیات بود که همدستان و طرف حسابهای خارجی رژیم را به طور جدی به نامل واداشت. نخستین تردیدهای آنان نسبت به اعتبار سوگلی سیاسیشان، رفسنجانی، از همان زمان شروع شد و این امر انزوای رژیم در صحنه بین‌المللی را شدیدتر کرد.

از آن پس تا کنون، جبر همین واقعیات بر مجموعه تلاشها، مانورها و حرکات جنون‌آمیز رژیم برای خروج از بن‌بست سایه افکن بوده است.

در صحنه داخلی بزرگترین نگرانی آخوندهای حاکم، تکرار خیزشهای مردمی و آماده شدن سریع زمینه برای سرنوشتی بود. برای پیشگیری از این خطر، رژیم ضد بشری فقط یک وسیله در اختیار داشت: افزایش فشار و سرکوب. بدین ترتیب بود که بخش عمده پاسداران جهل و جنایت را از مرزها جمع کرد و به درون شهرها فرستاد. بساط داغ و درفش را، به وجهی بی‌برده‌تر و گستاخانه‌تر از ایام گذشته گسترده و برای ایجاد رعب در میان مردم، هر روز به بهانه‌های مانورها و عملیات نمایشی در چهار گوشه کشور به راه انداخت. جنحالی که خامنه‌ای، تحت عنوان «امر به معروف» و به منظور دیگری، در تیر ماه سال گذشته به پا کرد، خیلی رود در برابر نیاز شدید رژیم به افزایش اختناق و فشار بر مردم، مبدل به سیجی بزرگ جهت استخدام نیروی تازه نفس برای دستگاه سرکوب شد. تاخت و تازهای وحشیانه عمده سرکوب طی سال گذشته - که طبق معمول نخستین قربانیانش زنان شجاع و مقاوم میهنمان بودند - گاه به درجه‌ای از سمیت رسید که خبرگزاریهای خارجی از آن بعنوان «بازگشت حکومت وحشت» یاد کردند. اما «بازگشت حکومت وحشت» هم نتوانست رعب فلج‌کننده‌ای را که مورد نظر ارتجاع افسار گسیخته آخوندی بود، در صحنه جامعه برقرار کند. در واقع طی سال گذشته، در حدود هفتصد حرکت اعتراضی و حتی طلبانه در سراسر کشور - به ویژه در تهران - به وقوع پیوست که بسیاری از آنها به درگیری قهرآمیز مردم با نیروهای سرکوبگر رژیم کشید. و هر چند شورشهای بزرگی چون قیام مردم مشهد تکرار نشد، در عوض حرکتی اعتراضی سازمانیافته، به ویژه اعتصابهای کارگری و کارمندی، در مقیاس وسیعی گسترش یافت. ورشکستگی اقتصادی رژیم و تعطیل پیاپی واحدهای تولیدی - که بازتاب شکست همه جانبه ارتجاع آخوندی در اداره کشور است هر روز بر وسعت و دامنه این اعتصابها می‌افزاید و انزوای رژیم را در صحنه داخلی کاملتر می‌کند.

وحشت رژیم ضد بشری، اما، تنها از حرکتی اعتراضی و شورشهای مردمی نیست. حضور و آمادگی مقاومت سازمانیافته مسلحانه در قالب ارتش آزادیبخش ملی و ارتباط این مقاومت با حرکتی داخلی وحشتزدگی رژیم را دوچندان می‌کند. اوباش حاکم بهتر از هرکس می‌دانند که ضربه نهایی و سرنوشت‌کننده را از این ارتش خواهند خورد. از این روست که همواره کوشیده‌اند تا به هر وسیله که شده، ضربه‌ی فلج‌کننده بر ارتش آزادیبخش وارد کنند. به یاد داریم که، به ویژه از جنگ کویت به بعد، در حالی که مجموعه اوضاع را به سود خود و به زیان مقاومت می‌دیدند، به چندین هجوم برای درهم شکستن ارتش آزادیبخش دست زدند که نتیجه‌ی جز شکست مفتضحانه نظامی و رسوایی سیاسی برایشان به بار نیاورد. با این همه طی سال جاری، با حمله هوایی به قرارگاههای اشرف و انزلی، باز بخت خود را آزمودند و باز، رسوایی و بی‌اعتبارتر از گذشته، عقب نشستند. آخوندهای جنایتکار و مزدورانشان، اما، در عرصه آدمکشی موفق‌تر بودند و با ربودن و مثله کردن مجاهد خلق علی اکبر قربانی و ترور محمد حسین نقدی، عضو شورای ملی مقاومت و نماینده این شورا در ایتالیا، و ترور محمد حسن ارباب، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران، برکهای دیگری بر جنایات سنگین خود افزودند.

در سالی که گذشت رژیم ضدبشری، به رغم افزایش سرکوب و اختناق در داخل و تشدید عملیات جنایتکارانه و تروریستی در خارج، مانورهای رذیلانه و عوام‌فریبانه‌اش را برای خروج از انزوا دنبال کرد. یکی از این مانورها فراخواندن ایرانیان به پشتیبانی از رژیم برای پیشگیری از خطر موهوم «تجزیه کشور» بود و دیگری دعوت ایرانیان خارج کشور به بازگشت! مانور اول که هدفش شکستن انزوای روزافزون رژیم بود، به برکت بی‌حیثیتی و بی‌آیندگی باند آخوندی حاکم در هیچ‌جا بازتابی نیافت. دومی، اما، که توسط داروسته رفسنجانی و اساساً جهت جلب همکاری کارشناسان و سرمایه‌داران رژیم گذشته ترتیب داده شده بود، قبل از هرکس خیل نادمان و بریدگان سیاسی و فرصت‌طلبان رنکارگ را به حرکت درآورد. بدین ترتیب بازگشت توانان و بریدگان سیاسی نه تنها به حرمت و اعتبار پناهندگان سیاسی ایرانی در کشورهای میزبان لطمه‌ی سخت وارد کرده، بلکه - از آن بدتر - وسیله‌ی برای استخدام جاسوس و خیرچین توسط ساواک رژیم شده است. در واقع دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی رژیم، پس از تخلیه کامل اطلاعات بریدگان سیاسی، کسانی از میان آنان را که آماده و شایسته همکاری تشخیص دهد، تحت آموزش قرار می‌دهد و برخی از آنها را برای اجرای مأموریت دوباره به خارج می‌فرستد. عده‌ای از این «بازگشتگان»، که دوباره از سوی رژیم به کشورهای اروپایی فرستاده شده‌اند، خود اعتراف کرده‌اند که مأموریت‌های مشخصی در زمینه جمع‌آوری و انتقال اطلاعات به ساواک رژیم به عهده دارند. بدین ترتیب روشن می‌شود که «موفقیت» مزدوران رژیم در ترور مخالفان سیاسی کشور از کجا سرچشمه می‌گیرد، و نیز روشن می‌شود که عمل به توصیه‌های مکرر مقاومت ایران مبنی بر مرزبندی کردن با دشمن، پاک نگاهداشتن صفوف مبارزان از نفوذ عوامل رژیم و قطع



شیطان را بزنید

مجله نیشن - چاپ امریکا

شماره ۲۶ جولای - ۲ اگوست ۹۲

نویسنده: نجوان / ترجمه کوتاه شده

در آغاز ماه مه امسال عزیزنسیس یکی از معروفترین روشنفکران ترکیه، يك روزنامه یومیه چپ گراي نام "آیدین لیک" به معنی "روشنگری" را بنیاد گذاشت. نسیس ۸۷ ساله يك مارکسیست است که به خاطر داستانهای طنزگونه اش مشهور شده است.

"آیدین لیک" با سهام شماری از چپگراهای ترکیه شروع بکار کرد. این روزنامه که از حقوق کردها و از سن دولت غیرمذهبی دفاع و شدیداً نسبت به بنیادگرایی اسلامی انتقاد می‌کند، نفوذ وسیع اجتماعی پیدا کرده است. در يك اقتصاد ضعیف هنگامی که دولت فرمان ریاضت و کاهش استانداردهای زندگی را داد، بنیادگراها بخصوص در میان تهیدستان رشد کردند.

برای يك هفته در اواسط مه، "آیدین لیک"، بسا تیراژ تقریباً ۱۱۰۰۰، شروع به انتشار برگزیده‌های آزاییه‌های شیطنی سلمان رشدی کرد. این موضوع فروش روزنامه را تا ۱۲۰۰۰۰ ارتقا داد. به عقیده بيك اقتصاددان ساسی ترك، احمد تونك که من تلفنی از او راجع به موضوع پرس و جو کردم، برگزیده كتاب بيك نوع علامت خشم نسبت به سانسور دولتی بود. آزاییه‌های شیطنی در ترکیه توقیف است. در سومین روز انتشار بنیادگراها بطور خشونت باری به بيك کتابفروشی، که ارتباط جنسی با روزنامه داشت، حمله کردند.

در آغاز ماه جولای، نسیس و شماری از روشنفکران دیگر برای بزرگداشت شاعر نامور قرن یازدهم "پیر سلطان عبدال" عضو فرقه علوی که بخاطر وعظ و انگیزش قیام علیه سلطان اتومان دار زده شد، رهپار سواس مرکز استان ورادگاه او شدند. مراسم بزرگداشت عبدال و اهدای بيك مجسمه یادبوده او بود. در اول جولای، نسیس بيك سخنرانی انتقادی راجع به بنیادگراها و بدنامی این نطق بيك نشست بسا روزنامه نگاران محلی داشت. آنها از او پرسیدند چرا "آیدین لیک" آزاییه‌های شیطنی را انتشار داد؟ آیا اوبه خدا اعتقاد دارد؟ و از این قبیل سوالات. نسیس گفت که او اعتقادی ندارد و بعد از بحث های بیشتر، خبرنگاران در جراید محلی، که مانند تمامی جراید محلی در سراسر دنیا بيك دید محافظه کارانه دارند، اتهامات شدیدی به او وارد کردند.

روز جمعه که در هر مسجدی يك روز بزرگ است، در سواس جماعت سنی بخاطر داستان های نسیس در جراید صبح، کف به دهان آورده بودند. در ترکیه فرقه علوی آزاداندیش تراز سنی هاست. گفتار نسیس توأم با تمجید از پیر سلطان عبدال و آسخته باقیمت های از کتاب رشدی در "آیدین لیک"، سنی هارا شدیداً خشمگین ساخت و آنها از استانداردها بخاطر اجازه برگزاری مراسم عبدال، خواستار استعفا شدند. بنیادگراها در این روز جمعه ۲ جولای راهی هتل شدند که در آن نویسندگان، شعرا، رفاصان محلی و نسیس اقامت داشتند. بعد از گشتن اطراف آنجا، مجسمه یادبود عبدال راه زیر کشیده و آنرا خرد کردند.

تا هفت بعد از ظهر جمعیت سنی برای ریختن خون افکار کافران، بالاخص نسیس، به جلو هتل برگشتند. نسیس سه نفر هتل راه آتش کشیدند. چند تن از میهمانان محاصره شده، تصمیم به دریافت اجازه ورود به ساختمان جنبی هتل که خانه حزب فانیست محلی بود گرفتند. دیگران آن را نپذیرفتند. سی و شش نفر در طبقات پایین تر در اثر سوختگی جان سپردند. عزیزنسیس در طبقه چهارم زنده ماند.

احمد تونك در باره رویداد سواس به حقیقت سنی تاکید می‌کند. اوبه من گفت "طبق قواعد مراسم سواسی و تحلیل روزنامه نگاری در ترکیه، آشوب و آتش سوزی بزرگ، آشکارا بیانگر تضاد بین دو فرقه سنی و علوی اعلام شد. این تفسیر تفاوت های سیاسی را نادیده می‌گیرد. بر این وجه تمایز این دو گروه، همانا موقعیت سیاسی شان در برابر سیاست غیرمذهبی دولت در ترکیه است. علوی ها قویا غیرمذهبی اند. حال آنکه سنی ها بنیادگرا".

کج خلقی در میان خاکستر باوجود خاکسترشدهای روشنفکر و آزادی سیاسی اندك، روزنامه ایزرورد شماره چهارم جولای خود بيك مقاله از رشدی درج کرد. اولین پاراگراف آن لحن کج خلقی سلمان رشدی را آشکار ساخت. "من عزیزنسیس، نویسنده و روزنامه نگار را در ۱۹۸۶ ملاقات کردم. در آن موقع من نیز سهمی در يك رویداد سازماندهی توسط نویسندگان انگلیسی بر علیه حکومت ترکیه در اعتراض به توقیف پاسپورت ایشان بعد از دستم امیدوارم که آقای نسیس تلاش کوچکی راکه من در حق ایشان به عمل آوردم بخاطر داشته باشند، زیرا که اخیراً اوبه هیچوجه موجبات رضایت مرا به جانیاورده است".

رشدی ادامه می‌دهد "من معصمان مذهبی سالها در حال نقل کردن و جانداختن قطعات قریبه سازی شده آیات شیطنی برای استفاده به مشابه بيك سلاح تبلیغاتی در جنگ بزرگ علیه افکار مترقی، اندیشه غیر مذهبی و جهان مدرن بوده‌اند که در آن مسئله‌ای تحت عنوان رشدی، چیزی بیش از بيك کشمکش نبوده است. من هنگامی که دریافتم این غیرمذهبیون ضد بنیادگراها ترك در حال استفاده از ترس درست بهمان روش بسی پرتسبیبی اخلاقی برای استفاده در جهت بيك مقصود سیاسی دیگر هستند، جاخوردم. بيك بار دیگر من آلت بازی دیگری شدم".

به همانند سازی دقیق غیرمذهبی ها و بنیادگراها از جانب سلمان رشدی که استعداد افکار مترقی را طلب می‌کند و گویا او غیرمذهبیون، منحده هستند، توجه

کنید. رشدی اضافه می‌کند که نسیس اجازه انتشار ترجمه ترکی آیات شیطنی را گرفته بود. سپس انتشار برگزیده‌های آن در "آیدین لیک" بیرون آمد. عزیزنسیس با متهم کردن رشدی به ترسویی و قصور در دفاع از رمان خود، جواب داد. نسیس اضافه کرد، او خصما برای کتاب اهمیتی قائل نیست و او در صورت آن را منتشر می‌کرد حال اگر رشدی موافق بود یا نبود و اگر او ترا نمی‌پسندید، باید شکایت می‌کرد. رشدی هم در مقابل نسیس راه دورویی برای متهم ساختنش برای دفاع نکردن از کتابش متهم می‌کند، در حالیکه در همین زمان می‌گوید او مسئولیتی برای برگزیده‌ها در روزنامه‌های که نسیس بقول رشدی سردبیر آن بوده، نداشته است.

رشدی ادعا می‌کند که "باروت توپ" شده و می‌گوید: "من هم بيك غیرمذهبی هستم و در ظرف پنج سال گذشته هر فرصتی را در گوشه علیه گسترش تعصب مذهبی در سراسر پهنه زمین استفاده کردم".

رشدی به نهای استفاده شده بازمی‌گردد "آقای نسیس مرا به عنوان بيك مبارز ندید. برای او اثر من صرفاً بيك سلاح بود که او مناسب استفاده می‌دید. من نمی‌توانم از عاقبت آنچه که او و همکارانش انجام دادند، جلوگیری کنم. آنها تحت عنوان آزادی بیان و قدرت کلام، دقیقاً در تحریک خشونت به عمل آمده که اکنون نتیجه داده است. عمل می‌کردند. آنها می‌خواستند مسائل را روی آورند، اما من نظر می‌رسد آنها بیشتر از آنچه برای شان می‌زدند، دارند".

این دقیقاً خط برگرفته شده توسط دولت ترکیه، در حمله به نسیس است.

جهان به گفته رشدی

زمان نتیجه گیری خردمندان است که رشدی حتما سهمتی را ادا می‌کند.

"اگر چه ما به نسیس و دوستانش به هر اندازه‌ای اهانت کردیم ولی نباید از سرزنش اس کشتن و حشناک فروگذار کنیم. من بيكی توسط این جماعت تحریک شده تحت نام خدا و توسط این شهوت حیوانی شان برای ریختن خون غیر معتقدان جاخوردم. والبتنه علی رغم همه فتنه‌های او، من اندوه خودوهممدردی و حمایت بی حرمت شده‌ام را به خانواده‌های کشته شدگان، به همه آنها که بر علیه تعصب می‌جنگند، بشارت می‌کنم. حتی آنها که با انجام کارشان برای جنگ خود من ارزشی قائل نشدند. بله حتی به آقای عزیزنسیس، رشدی سبب به گروه رهبران هفت کشور صنعتی حاضر در تونکیوا اعلام می‌کند که تروریسم را محکوم کند. ظاهر این بیانات عالی در پاریس خوب است و البته از آنجائیکه به برقیبای هیچ مصلحان مرتجع در استانبول یا سواس بر نمی‌خورد ارزش ندارد. در جایی که بسیاری از آن دوستان در شعله‌های آتش، چند ساعت قبل از آنکه رشدی در میان گارد حفاظتی کامل پشت ماشین تحریرش بنشیند، به هلاکت رسیدند. تمام سبکی که در مقاله رشدی نوشته شده و در ایزرورد عرضه شده است حاکی از دشنام کینه دار به غیرمذهبیون ترك است. باوجود هر میزان حس خودخواهی و گزیندگی رشدی، اومی‌بایست فوراً بعد از حملسه جنایتکارانه به متحدان روشنفکرش، اینطور نتیجه بگیرد که الان زمان ردهمیت کینه جویانه نیست.

رکود در تولید و اخراج کارگران

تعداد زیادی از واحدهای تولیدی و کارخانه‌ها سه علت ورود کالاهای مشابه و ارز استراحت محصولات داخلی را رکود تولید و عدم فروش محصولات مواجه شده‌اند و بعضی از واحدها مانند شرکت ریسمن رسی متعلق به بخش خصوصی با ۷۵۰ نفر کارگر، شرکت ریسندگی و بافندگی باکری با ۲۳۰ نفر کارگر و شرکت آسانت متعلق به بخش خصوصی و صد ها کارخانه دیگر منظر جلوكسری از بروز تخمین و اعتصاب اقدام به اخراج تدریجی کارگران نموده‌اند.

یکی از علل بروز چنین اوضاع آشفته و رکود اقتصادی، سوء تدبیر در زمینه اخذ اعتبارات پورسانت در سالهای ۶۹ و ۷۰ می‌باشد که اکنون رژیم راجار تنگنای ارزی نموده است و به علت عدم توانایی بانک مرکزی در کشایش اعتبارات ارزی برای واحدهای تولیدی، در حال حاضر این واحدها اعتبار مالی خود را بر دوش شرکت‌های خارجی از دست داده و قادر به تأمین مواد اولیه مورد نیاز خود نیستند. بر صمودی هزینه‌های تولیدی ناشی از افزایش نرخ ارز و عدم همکاری بانکها در تأمین اعتبارات مورد نیاز، اکثر واحدهای تولیدی را با کمبود نقدینگی مواجه نموده و طبیعی است صنعتی که قادر نیست بیش از ۵ روز ارز مورد نیاز خود را تأمین نماید با چنین مشکلاتی مواجه گردد. این نشانه چپاول روز افزون سردمداران رژیم و غارت اموال و منابع عمومی و آرسویی دیگر نشانه عدم انطباق تصمیمات اقتصادی با واقعیات اقتصادی جامعه می‌باشد.

قائل است اینست که آبیول حق التحریرش سه او می‌رسد بانه آشکارا من آماده‌ام این مبلغ را تهیه کنم." سمن تشریح کرد که او سردبیر "ایدین لیک" نیست. نویسنده آن است. در سرفین آلمان و از منر "من سه پیشقدم و به تصمیم گیرنده انتشار برگزیده‌ها نمودم. این کار سردبیر واقعی "فریت ایل سور" بود که سمن را می‌شناخت و در حال برنامه ریزی ترجمه و انتشار آیه‌های شیطانی بود. با این وجود سمن گفت: "من هیچ اشکالی در انتشار برگزیده‌ها نمی‌بینم و همانطور که گفتیم اگر لازم آن پول اضافی به رشدی است. من مطمئنم که ترتیبش داده خواهد شد."

در مورد علت وقایع در سوای سمن ادامه می‌دهد که مساله در "عدم صلاحیت دولت کنونی بود. علت واقعی مجموعه خط مشی های سناری از دولتها بعد از مرکز آنتورک در فقدان احترام به غیر مذهبی گری بود. همه آنها به مرتجعین امتیاز دادند. آنچه کسه اخیرا بوقوع پیوست، نتیجه اشتباهات این خط مشی است. لیک کترش سریع و وحشتناک بنیادگرایی اسلامی در برکمه وجود دارد. عملی باند صورت گیرد. دولت ترکیه معیار دوگانه دارد. وقتی آنها را رویایی طرف می‌شوند، خودشان را غیر مذهبی معرفی می‌کنند. هنگامی که آنها با حوزه‌های انتخابیه روبرو می‌شوند، همه نوع امتیاز که به تقویت بنیادگرایی در ترکیه کمک می‌کند، به آنها می‌دهند."

در هفتم جولای پیگرهای آن سوخته شدگان در سوای به آنکارا و استانبول، با نظرات قدرتمند مدهران نفی غیر مذهبیون در هر یک از شهرها، بساز گردانده شد.

عکس عمل رشدی برخی از رنجش‌ها را در استانبول اوج داد. این موضوع مهمی است. "احمد نیوک به من گفت: "مردم اینجاسی در دفاع از حقوق اودار بند و برای انجام این کاریکهای بزرگی را متفلسل می‌نمود. آيات شیطانی هنوز سمامنوع است و "ایدین لیک" قبلا توسط بنیادگراها، هنگامی کسه سربال کتاب رشدی را شروع کرد مورد حمله قرار گرفت. این خیلی بهتری می‌بود اگر رشدی حمایت تمام و کمالش را برای این روشنفکرانش عرضه می‌داشت."

تربیتسین چهار روز بعد از فرارش از هتل سوای، عکس العملش را از رشدی که به همان میسران بر خوردش را به موضوع سوای بود به من گفت: "من مقاله اخیر رشدی را در اسرور خواندم و در حال نوشتن لیک با ساج کامل هستم. مقدمتاً می‌گویم که "ایدین لیک" به حساب ارزش ادبی آیه‌های شیطانی دست به انتشار برگزیده‌های آن زده است. ما به مثابه اعلامی بر علیه ساسور دولت برکمه به آن مبادرت کردیم. همجنس من به انتشار آنها به عنوان لیک اضافی در راستای گوش ماعلمه بنیادگراها و مرتجعین در ترکیه توجه می‌کنم. این لیک مبارزه سیاسی است که من سه آن اهمت می‌دهم و در جهتش عمل می‌کنم."

"من رشدی را در لندن ملاقات کردم و راجع به احتمالات انتشار کتابش در ترکیه بحث کردم. من فکر می‌کنم که او یک نویسنده بزرگ باشد. علاوه بر آن او از تهدید ایرانی‌های ترسد. او از دفاع از اثرش باز ایستاد و در عوض از مرتجعین عذر خواهی کرد. او یک مرتداست. تنها چیزی که او این او را برایش اهمت

برخی از رویدادهای تاریخی

- از صفحه ۱۲
- ۱۳۵۸/۶/۹ - شهادت مبارز برجسته، کاک فواد مصطفی سلطانی از اعضای رهبری کومله
 - ۱۳۵۸/۶/۱۱ - کشتار و حشاش مردم روستای قاربا توسط مزدوران رژیم خمینی به سرکردگی آخوند ملاحسی
 - ۱۳۵۹/۶/۱ - شهادت یکی از فرماندهان نظامی جیش خلق کرد، سرگرد عباسی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
 - ۱۳۵۹/۶/۳۱ - آغاز جنگ ایران و عراق
 - ۱۳۶۰/۶/۸ - انفجار ساختمان نخست وزیری رژیم خمینی و بهلاکت رسیدن رجا، با هنر و تعدادی دیگر کسر از مزدوران رژیم توسط نیروهای مقاومت
 - ۱۳۶۰/۶/۱۴ - بهلاکت رسیدن دادستان کل رژیم خمینی
 - ۱۳۶۰/۶/۲۶ - بدارآ و بیخته شدن مجاهد قهرمان حبیب الله اسلامی عقیل آبادی در حیاط زندان اوین در مقابل جمعی از زندانیان سیاسی
 - ۱۳۶۰/۶/۲۸ - شهادت روحانی مجاهد حبیب الله آثوری به اتفاق ۱۰۰ مبارز و مجاهد دیگر
 - ۱۳۶۰/۶/۲۳ - قتل عام ۱۸ کارگر کورمیز خانه سار و قامیش بدست جاشها و پاسداران جنایتکار رژیم خمینی
 - ۱۳۶۳/۶/۱۰ - انتشار اولین شماره دوره چهارم نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه

- خارجی: از ۱۳۲۲ تا ۲۳ سپتامبر
- ۲۲ سپتامبر ۱۸۶۲ - اعلام آزادی بردگان جنوب امریکا توسط ابراهام لینکلن، رئیس جمهور فقید امریکا
 - ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ - شروع جنگ جهانی دوم از سوی فاشیسم نازی. آغاز حمله به لهستان
 - ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ - اعلام جمهوری دمکراتیک مردم ویتنام در شمال این کشور
 - ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ - تسلیم ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم
 - ۹ سپتامبر ۱۹۴۸ - تأسیس جمهوری دمکراتیک خلق کره
 - ۱۲۶ اوت ۱۹۶۶ - تأسیس سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوابو) و رور همبستگی با خلق نامیبیا
 - ۳ سپتامبر ۱۹۶۹ - درگذشت رفیق هوشی مین
 - ۴ سپتامبر ۱۹۷۰ - پیروزی سالوادور آلنده در انتخابات شیلی
 - ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ - کشتار مردم فلسطین در اردوگاههای اردن (سپتامر سیاه)
 - ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ - کودتای امیربالیستی - امریکایی علیه دولت ملی آلنده توسط پینوشه و به شهادت رسیدن رئیس جمهور شیلی
 - ۸ سپتامبر ۱۹۷۶ - درگذشت رفیق ماوتسه تنگ
 - ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ - کشتار و حشاشه خلق فلسطین در "صرا" و "شنتلا" بدست عوامل ارتجاع و صهیونیسم

- (هویت)
- ۱۳۶۳/۶/۲۷ - تصویب عضویت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) در شورای ملی مقاومت ایران
 - ۱۳۶۸/۶/۲۶ - ترور همس جوادی (غلام کشاورز) از کادرهای پرباقه کومله در قبرس توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
 - ۱۳۶۸/۶/۱۳ - ترور صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی کومله در سوار مرزی توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
 - ۱۳۶۸/۶/۱۱ - منوچهر محجوبی، طنزنویس مشهور ایران بعثت بیماری سرطان در لندن درگذشت
 - ۱۳۷۰/۶/۲۸ - ترور رفیق سعید بزدان پناه، دبیر کل هیئت موس اتحاد انقلابیون خلق کردستان توسط مزدوران رژیم در سلیمانیه
 - ۷۱/۶/۲۶ - ترور دکتر محمد مادیق شرفکندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران (ظرفداران کنگسره قاسم) و افتتاح عبدلی و همایون اردلان از مسئولین این حزب در خارج کشور توسط مزدوران رژیم خمینی در برلین
 - ۷۱/۶/۲۶ - ترور حسین نوری دهکردی در برلین توسط مزدوران رژیم خمینی
 - روزهای بین المللی
 - ۱۷ شهریور برابر ۸ سپتامبر - روز جهانی پیکار بسواد
 - ۱۰ شهریور برابر ۱ سپتامبر - روز جهانی صلح



اخبار و رویدادها....

اهداء - مدال افتخار

کمیسیون ملی برای تحقق برابری زن و مرد در ایتالیا، يك مدال افتخار به خانم مریم رجوی بخاطر تلاش او در راه ارتقاء نقش زنان و تلاش برای رفع تبعیض جسی در مورد زنان ایران اهداء نمود. این کمیسیون همچنین مدال مشابهی به خانم فهیمه اروای اهداء نمود. خانم تینا آنسلمی رئیس کمیسیون تحقق برابری زن و مرد در نخست وزیری ایتالیا، این مدال را به يك همت از مقاومت ایران سپرد. خانم مریم رجوی و فهیمه اروای تقدیم شود.

اعتماد کاری

رادیو صوت دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی در برنامه روز ۱۲ مرداد ۷۲ خود اعلام نمود که: "ساند خبر رسیده خیران کارگران ذری زن و مرد در تاریخ ۷ مرداد ۲۰ کوره برخانه در نزدیکی شهر شمشیر در استان آذربایجان شرقی، مدت ۳ روزه منظم در افراس حقوق خود، دست ارکار کشیده و اعتصاب کردند. اس اعتصاب سرک باعث شد که اداره کار و امور اجتماعی رژیم و صاحبان کوره برخانه ها سرعاً به خواست کارگران کردن بنهد."

تعطیلی کارخانجات پوشش

روزنامه رسالت در شماره ۱۴ شهریور ماه امسال خبر داد که گزارش نمود که: "رژیم - خیرکاری جمهوری اسلامی: کارخانجات پوشش ایران با ادامه روند کتونی حداکثر تا یک ماه دیگر امکان تعالیس دارند."

در صفحه ۳

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

شهریور ماه

۱۲۸۶/۶/۸ - اعدام انقلابی انابك السلطان از ضد انقلابیون دوران مشروطیت به دست عباس آقا از مجاهدین تبریز

۱۳۹۹/۶/۲۱ - شهادت شیخ محمد خیابانی

۱۳۲۰/۶/۳ - ورود نیروهای متفقین به ایران و پایان حکومت ارتجاعی ضد مردمی رضا خان پهلوی

۱۳۲۱/۶/۱۱ - اعتصاب خوین کارگران ریسندگی سمنان و شهادت د کارگر مبارز این کارخانه

۱۳۲۲/۶/۱۲ - تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان

۱۳۳۳/۶/۲۸ - امضاء قرارداد خاشانه با کنسرسیوم بین المللی نفت، توسط نوکر استعمار علی امینی

۱۳۴۷/۶/۹ - درگذشت نویسنده انقلابی، رفیق صمد بهرنگی

۱۳۲۷/۶/۱۱ - اعدام ملا آواره و دو نفر دیگر از رفقا ش توسط رژیم شاه در سردشت

۱۳۵۰/۶/۱ - دستگیری اولین دسته اراغی مسئول سازمان مجاهدین خلق ایران به وسیله مزدوران ساواک شاه

۱۳۵۲/۶/۱۶ - شهادت مجاهد فهیمه مهدی رضایی

۱۳۵۷/۶/۲۴ - تظاهرات وسیع مردم تهران و سقوط دولت آموزگار و تشکیل دولت شریف امامی

۱۳۵۷/۶/۱۳ - اولین تظاهرات گسترده و عظیم مردم تهران علیه رژیم شاه در روز غد فطر

۱۳۵۷/۶/۱۷ - کشتار مردم تهران جمعه خوین در میدان ژاله و اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر توسط رژیم شاه

۱۳۵۷/۶/۱۷ - اعتصاب کارگران بالاسکاه تهران و آغاز اعتصابات سراسری

۱۳۵۸/۶/۱۹ - درگذشت رجل مجاهد، آیت الله طالقانی

در صفحه ۱۱



برای فتح قله های
پرسلاط عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یاییوزی

رفقای فدایی:

- بعقوب امیرانقدیری - ایرج سپهری - علی میر شکاری - انور اعظمی - محمود بابا علی - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - بیرویس فاطمی - ظهیر اکبری - جمیل یخچالی - شهریار واحسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمد تقی بیرومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - بیرویدآوری غلامحسین بیکی - حسن مالچی - علی رضاشاه بابایی ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمید رضا ماهکی عباس کابلی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا بناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید بردان پناه (اسکو) - سیزن جنتی مررضی خدایراد - مصطفی شمس الدینی - قاسم سعید باقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی اصغر جعفری جرابری - خسرو مبارکی - سعید رهبری علی رضا براق چی - محمد رضا ستوده - احمد رضا شعاعی - مهدی سمعی - ابوالفضل قول ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - ابن رفقا از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و یوسینه مزدوران رژیمهای شاه و خمینی شهادت رسیدند.



با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز:

سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیماً به دیت ما برسانید یا به حساب بانکی زیر واریز کرده و رسید آنرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک

BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک

03760 کد گیشه

00050097851 شماره حساب

MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب

NABARD E_kHALGH No 99

ORGAN OF THE ORGANIZATION OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAIAN GUERRILLAS.

23/août/93

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید

دانمارک

HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 118

2200 N
DANMARK

امریکا

HOVEYAT
P.O BOX 1722
CHANTILLY, VA 22020
U.S.A

فرانسه

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE

آلمان غربی

P.L.K
Nr.039999 D
5000 KOLN 1
W - GERMANY